

ممدانی:

«من سپیده‌دم روزی بهتر برای بشریت را می‌بینم.»!

نویسنده: بهرام رحمانی



ممدانی: «من سپیده دم روزی بهتر برای بشریت
را می بینم.»!



نویسنده: بهرام رحمانی

ناشر: کتابخانه ی گرایش مارکسی

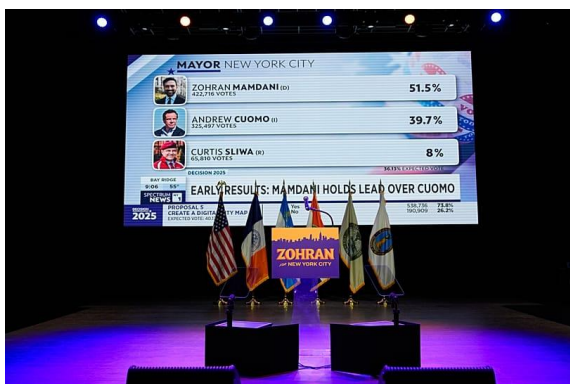
تاریخ نشر: آبان ۱۴۰۴ - نوامبر ۲۰۲۵

انتخابات پنج نوامبر در آمریکا علاوه بر پیروزی قاطع گرایش سوسیالیستی حزب دموکرات با رقم زدن بسیاری از اولین‌ها توسط رای‌دهندگان همراه بود.

موفقیت زهران ممدانی در انتخابات مقدماتی نیویورک نشانه‌ای از دگرگونی چشم‌گیر در سیاست آمریکا و قدرت‌گیری چپ سوسیالیستی در برابر نظم سنتی دوقطبی است. این مطلب به بررسی موفقیت این جریان، بحران مرکزگرایی و افق‌های پیش‌روی چپ در ساختار سیاسی آمریکا می‌پردازد. بحث نه بر سر اهداف و برنامه‌های ممدانی است و نه سوسیالیسم و نه اسلام و نه چیز دیگری. به‌نظرم گرایش‌ات راست و مذهبی به‌ویژه رسانه‌های جمهوری اسلامی و فاشیست‌های سلطنت‌طلب ایرانی، هر دو بر شیعه‌بودن ممدانی تاکید دارند؛ هر دو با هدف تقویت ایدئولوژی خود بر

شیعه و یا مسلمان بودن ممدانی تاکید دارند
اولی قصد دارد آن را به خودش بچسباند و دومی
آو را با خمینی مقایسه می‌کند و قصد تخریب او
را دارد.

اگر از افکار و عملکرد و هزian‌گویی‌های این
نوع جریانات بگذریم هر دو حزب حاکم بر
آمریکا، یعنی جمهوری‌خواه و دموکرات و در راس
همه دونالد ترامپ رییس جمهور کنونی آمریکا،
هیچ‌کدام از اهداف و برنامه‌های ممدانی خوش‌شان
نمی‌آید و ناخرسند هستند. چرا که او،
برنامه‌هایی که اعلام کرده است به ضرر
سرمایه‌داران و مخالف جدی سیاست‌های ترامپ
است.



نتایج انتخابات شهرداری نیویورک AP Photo

دموکرات‌های آمریکا روز سه‌شنبه در سه رقابت انتخاباتی مهم پیروز شدند؛ نخستین انتخابات بزرگ از زمان بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری. این پیروزی‌ها نسل تازه‌ای از رهبران حزب دموکرات را به صحنه آورد و به حزبی که در ماه‌های اخیر درگیر بحران بود، نیرویی تازه بخشید؛ آن هم در آستانه انتخابات کنگره در سال آینده.

در نیویورک، زهران ممدانی، سیاستمدار ۳۴ ساله و سوسیالیست دموکرات، در انتخابات شهرداری پیروز شد. این پیروزی نقطه اوج صعودی شگفت‌انگیز و سریع برای سیاستمداری بود که از نماینده‌ای گمنام در مجلس ایالتی، به یکی از چهره‌های شاخص حزب دموکرات در سراسر کشور بدل شد. در همین روز، در ایالت‌های ویرجینیا و نیوجرسی نیز دو دموکرات میانه‌رو، ابیگیل اسپنبرگر، ۴۶ ساله، و مایکی شریل، ۵۳ ساله،

به ترتیب با اختلاف قابل توجهی برنده انتخابات فرمانداری شدند.

هر سه نامزد دموکرات در کارزار خود بر مسائل اقتصادی، به ویژه «قابلیت تامین هزینه های زندگی»، تمرکز داشتند؛ موضوعی که همچنان مهم ترین دغدغه رای دهندگان آمریکایی است. با این حال، اسپنبرگر و شریل از جناح میانه رو حزب هستند، در حالی که ممدانی با استفاده از کمپینی پرانرژی، خود را به عنوان یک پیشرو بی پرده در سنت سناتور برنی سندرز و نماینده الکساندریا اوکاسیو-کورتز معرفی کرد.

ممدانی در سخنرانی پیروزی خود در میان جمعیتی پرشور از هواداران گفت: «اگر قرار است کسی به ملتی که از سوی دونالد ترامپ خیانت دیده، نشان دهد چگونه می توان او را شکست داد، آن شهر همان جایی است که او از آن برخاسته است. و اگر قرار است دیکتاتوری را به وحشت بیندازی، باید شرایطی را از میان ببری که به او اجازه داد قدرت بگیرد.»

تاسیس اداره‌ای تازه برای امنیت اجتماعی و سلامت روان، که جایگزین بخشی از وظایف پلیس در تماس‌های اضطراری غیرخطرناک خواهد شد، نیز از جمله وعده‌های انتخاباتی او است.

با وجود تلاش‌ها و تهدیدهای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، زهران ممدانی نماینده محله «کوئینز»، در یک رقابت انتخاباتی نفس‌گیر موفق شد، اندرو کومو، فرماندار پیشین ایالت نیویورک با گرایش میانه‌رو، و کرتیس اسلیوا، نامزد جمهوری‌خواه را پشت سر بگذارد. دونالد ترامپ در انتخابات اخیر برای شهرداری نیویورک از اندرو کومو حمایت می‌کرد. او از رای‌دهندگان شهر نیویورک خواسته بود به زهران ممدانی چپ‌گرا که در یک خانواده مسلمان شیعه‌مذهب متولد شده است، رای ندهند. رئیس‌جمهوری آمریکا تهدید کرده بود که در صورت پیروزی زهران ممدانی، بودجه نیویورک را کاهش خواهد داد.

به گزارش نیویورک تایمز، زهران ممدانی در نخستین سخنرانی خود پس از اعلام نتایج

انتخابات، پیروزی‌اش را «غلبه امید بر استبداد» توصیف کرد. او با گام‌هایی استوار روی صحنه رفت، دستش را بر سینه گذاشت با تبسمی بر لب به یکی از پیشگامان سوسیالیسم ادای احترام کرد. زهران ممدانی گفت: «همان‌طور که یوجین دبز روزی گفته بود، من سپیده دم روزی بهتر را برای بشریت می‌بینم.»

آقای ممدانی در این سخنرانی خود، همچنین با اشاره به سیاست‌های ضد‌مهاجرتی دولت ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا را فردی «مستبد» خواند و مستقیماً از او خواست تا «از دامن زدن به نفرت ملی و مذهبی دست بردارد.»

زهران ممدانی که به‌ویژه در میان جوانان چپ محبوبیت چشم‌گیری دارد، توانست میلیون‌ها رای‌دهنده‌ای را که سال‌ها از سیاست فاصله گرفته بودند، دوباره پای صندوق بیاورد. طبق آمار منتشر شده در نشریه پولیتیکو، امسال بیش از ۱۰۷۵ میلیون نفر در انتخابات شهرداری نیویورک شرکت کردند.

پیروزی زهران ممدانی-جوان‌ترین شهردار و اولین سوسیالیست دمکرات بزرگترین و ثروتمندترین شهر جهان، یعنی نیویورک است. ممدانی در کامپالا، اوگاندا، از پدری دانشگاهی به نام محمود ممدانی و مادری فیلم‌ساز به نام میرا نایر متولد شد. در ۷ سالگی به نیویورک مهاجرت کرد. در سخنرانی پیروزی خود قول داد: **مهم‌ترین وعده‌های اقتصادی انتخاباتی زهران ممدانی**

۱. تثبیت اجاره‌بها:

اکثر ساکنان نیویورک مستأجر هستند و بیش از دو میلیون نفر از آن‌ها در آپارتمان‌هایی با اجاره‌بهای ثابت زندگی می‌کنند. طبق برنامه انتخاباتی، این واحدها باید پایه امنیت اقتصادی طبقه کارگر باشند. در دوره مدیریت جمهوری‌خواهان گذشته، اجاره‌ها ۱۲/۶ درصد افزایش یافته است.

ممدانی متعهد شده که در صورت پیروزی، اجاره‌ها را تثبیت کند و از تمام منابع موجود برای

ساخت مسکن مورد نیاز ساکنان و کاهش اجاره‌ها استفاده کند.

۲. اتوبوس‌های سریع و رایگان:

ممدانی می‌گوید حمل‌ونقل عمومی باید قابل اعتماد، امن و در دسترس همه باشد. یک نفر از هر پنج نفر در نیویورک با پرداخت هزینه بلیط مشکل دارد، و اتوبوس‌های شهر نیز کندترین‌ها در آمریکا هستند، که زمان ارزشمند خانواده و استراحت کارگران را می‌گیرد.

او وعده داده در صورت پیروزی، کرایه همه اتوبوس‌ها را حذف کند و با ایجاد مسیرهای اختصاصی، سرعت آن‌ها را افزایش دهد.

۳. مدیریت امنیت اجتماعی:

ممدانی معتقد است مدیریت جمهوری‌خواهان نتوانسته امنیت ساکنان را تامین کند. او وعده داده با بهبود امنیت اجتماعی، پیش از وقوع خشونت اقدام کند و راهکارهای اثبات‌شده را اولویت دهد.

نقش پلیس در این برنامه کلیدی است و مدیریت جدید در سرمایه‌گذاری بر برنامه‌های سلامت

روان، آموزش در ۱۰۰ ایستگاه مترو و ارائه خدمات پزشکی در واحدهای تجاری خالی، و افزایش بودجه برنامه‌های مقابله با خشونت ناشی از نفرت به میزان ۸۰۰ درصد، فعال خواهد بود.

۴. مهدکودک رایگان:

هزینه مراقبت از کودکان بزرگترین بار مالی برای خانواده‌های کارگر است و باعث می‌شود آن‌ها شهر را ترک کنند. خانواده‌هایی که کودکان زیر ۶ سال دارند، دو برابر دیگران شهر را ترک می‌کنند و بیشترین فشار بر مادران است. ممدانی وعده داده مراقبت رایگان از کودکان برای ساکنان ۶ هفته تا ۵ سال فراهم کند، کیفیت برنامه‌ها بالا باشد و حقوق کارکنان مراقبت از کودکان (یک‌چهارم آن‌ها در فقر زندگی می‌کنند) به اندازه معلمان مدارس دولتی افزایش یابد.

۵. فروشگاه‌های مواد غذایی متعلق به شهر:

قیمت مواد غذایی خارج از کنترل است و تقریباً ۹ نفر از هر ۱۰ نفر در نیویورک می‌گویند هزینه

مواد غذایی سریع‌تر از درآمد آن‌ها افزایش می‌یابد.

ممدانی وعده داده شبکه‌ای از فروشگاه‌های متعلق به شهر ایجاد کند که قیمت‌ها را پایین نگه داشته و هدف آن‌ها سود نباشد. این فروشگاه‌ها به قیمت عمده خرید و فروش می‌کنند، عملیات ذخیره و توزیع دارند و با محله‌ها در زمینه تأمین کالا همکاری خواهند کرد.

۶. مسکن برای نیویورک:

ممدانی می‌گوید نیویورک به مسکن بیشتری با قیمت مناسب نیاز دارد، اما دهه‌هاست که شهر برای جذب توسعه‌دهندگان خصوصی، تغییرات قانونی در تقسیم‌بندی زمین را به کار گرفته است، و این مسکن‌ها اغلب برای طبقه کارگر قابل دسترسی نیستند.

او وعده داده منابع عمومی را برای سه برابر ساخت مسکن دائمی با قیمت مناسب و توسط اتحادیه‌های کارگری اختصاص دهد و طی ده سال آینده ۲۰۰ هزار واحد جدید بسازد.

۷. مبارزه با مالکان متخلف:

یک‌دهم خانواده‌های مستاجر کمبود گرمایش کافی در زمستان گذشته را گزارش کرده‌اند و یک‌چهارم از وجود موش و سایر آفات در خانه خود خبر داده‌اند. نیم میلیون نفر در مسکن نامناسب زندگی می‌کنند.

ممدانی وعده داده دفتر شهرداری را برای حمایت از مستأجران بازسازی کند و اجرای قوانین را زیر یک سقف هماهنگ نماید تا مالکان خاخی پاسخگو باشند. در صورت امتناع مالکان از تعمیرات، شهر وارد عمل شده و هزینه را از آن‌ها دریافت می‌کند و در موارد شدید، املاک مالکان بد را تصاحب می‌کند.

۸. مالیات بر شرکت‌های بزرگ و ثروتمندان نیویورک:

برنامه ممدانی برای کاهش هزینه زندگی شامل فروشگاه‌های متعلق به شهر، مراقبت رایگان از کودکان و طرح‌های جسورانه دیگر است و او می‌داند چگونه منابع آن را تامین کند.

او قصد دارد نرخ مالیات شرکت‌ها را به میزان ۱۱/۵ درصد (همانند نیوجرسی) افزایش دهد که ۵

میلیارد دلار درآمد ایجاد می‌کند. همچنین مالیات ثابت ۲ درصد برای ۱ درصد ثروتمندترین ساکنان با درآمد بیش از یک میلیون دلار وضع خواهد شد. اصلاحات منطقی در سیستم خرید و پایان دادن به قراردادهای بدون مناقصه و افزایش بازرسین مالیاتی، حدود یک میلیارد دلار درآمد اضافی ایجاد خواهد کرد.

موقف ثروتمندان

حداقل ۲۶ میلیارد میلیون‌ها دلار صرف کرده‌اند تا مانع از پیروزی ممدانی شوند، اما برخی میلیاردرها از او حمایت کرده‌اند.

به گفته فوربس، این ۲۶ میلیارد یا خانواده‌های میلیاردی بیش از ۲۲ میلیون دلار برای جلوگیری از موفقیت ممدانی هزینه کرده‌اند.

در مقابل، الیزابت سیمونز، دختر میلیاردی صندوق‌های پوشش ریسک جیم سیمونز (درگذشته در ۲۰۲۴)، حدود ۲۵۰ هزار دلار به سازمان «نیویورکری‌ها برای هزینه‌های کمتر» که حامی اصلی ممدانی بود، اهدا کرده است.

میلیاردر دوم حامی ممدانی، تام پریستون-ورنر، هم‌بنیان‌گذار گیت‌هاب، ۲۰ هزار دلار به این سازمان اهدا کرده است.

شکست ترامپ

رییس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، بارها تلاش کرده مانع موفقیت ممدانی شود و از رأی به رقیب اصلی او، فرماندار سابق نیویورک، اندرو کومو، حمایت کرده است.

ترامپ در صفحه خود در شبکه اجتماعی «Truth Social» نوشت: «چه کومو را دوست داشته باشید یا نه، گزینه دیگری ندارید. باید به او رأی دهید و امیدوار باشید موفق باشد. او توانایی دارد، اما ممدانی ندارد!»

او افزود: «اگر نامزد کمونیست، زهران ممدانی، در انتخابات شهرداری نیویورک پیروز شود، بعید است من کمک‌های فدرال ارائه کنم، مگر حداقل الزامی.»

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، زهران ممدانی پیروز قاطع مبارزات انتخاباتی برای کسب مقام شهرداری نیویورک شد. مبارزه‌ای که ابر و باد

و مه و خورشید و فلک در آمریکا هرچه کردند
حریف تحول‌طلبان جوان نیویورکی نشدند.
زهران در خانواده‌ای روشنفکر رشد یافت: پدرش
محمود ممدانی، نظریه‌پرداز برجسته‌ی
پسااستعماری، و مادرش میرا نایر، فیلم‌ساز
بین‌المللی است. چنین فضای فرهنگی و انتقادی،
حساسیت سیاسی و عدالت‌محور او را شکل داده
است. ورودش به سیاست از فعالیت‌های میدانی و
عملی در زمینه‌ی مسکن و خدمات شهری آغاز شد و
در سال ۲۰۲۰ با پیروزی بر آرولا سیموتاس در
انتخابات مقدماتی حزب دموکرات به نقطه عطف
در روند تکامل شخصیت سیاسی او رسید.



پایه‌های اندیشه‌ای و فلسفی ممدانی بر ستون سوسیالیسم دمکراتیک استوار است. ممدانی خود را در امتداد جنبش برنی سندرز و درون سنت سوسیال‌دموکراسی می‌داند. او بر خدمات عمومی، عدالت طبقاتی، کنترل مردمی بر منابع شهری و مبارزه با نابرابری اقتصادی تاکید دارد. (البته تاکنون چنین بوده است. آنچه ممکن است بعدها بشود را باید منتظر ماند و با دقت نگریست) نقد پسااستعماری، سنتی دیرپا در خانواده اوست. تاثیر پدرش، محمود ممدانی، در پژوهش‌هایش باعث شکل‌گیری نگاهی ساختاری و تاریخی در اندیشه زهران شده است. او درک خود از تبعیض، مهاجرت، و عدالت نژادی را از این سنت فکری گرفته است. از نکات عمده دیگر؛ در نقشه راه او در سیاست عملی؛ ذهنیت متمرکز وی بر اندیشه‌های متمرکز بر سوسیالیسم شهری (Municipal Socialism) است. تمرکز او بر اداره‌ی شهر از طریق سیاست‌های اجتماعی ملموس -از جمله حمل‌ونقل رایگان، مسکن عمومی و فروشگاه‌های شهری- برای همه شهروندان،

برگرفته از سنت سوسیالیسم شهری قرن بیستم در آمریکا است.

روند مطرح شدن زهران ممدانی با تکیه بر سازماندهی محلی، حمایت از جنبش DSA و ارتباط با رای دهندگان طبقه‌ی کارگر به دست آمده است! وی توانسته است در ساختار رسمی قدرت نفوذ کند. پیروزی در انتخابات مقدماتی ۲۰۲۰ آغازگر مسیر او به عنوان نماینده‌ی ای‌چ‌پ‌گرا و مردمی بود. او اکنون یکی از صداها‌ی اصلی عدالتخواهی شهری در کلان‌شهر بسیار عظیم و موثر و با اهمیت نیویورک است که امپراتوری مالی جهان را برای نخستین بار تحت کنترل نماینده آفسایدنشینان و فرودستان شهری قرار داده است.

تأثیر سیاست‌های اقتدارگرایانه اخیر در آمریکا، یعنی «ترامپیسم» بر رشد رادیکالیسم دموکراتیک در جوامع شهری و فوق‌صنعتی آمریکا، افزوده است. ظهور دونالد ترامپ و سیاست‌های تمامیت‌گرایانه‌اش و آمرانه او، موجب قطبی‌شدن فضای سیاسی آمریکا شده است. در این میانه،

طبقه کارگر و جنبش‌های زنان و جوانان بی‌کار
نشسته است. این وضعیت، انگیزه جدیدی برای
جنبش‌های مترقی ایجاد کرده تا در مقابل
اقتدارگرایی و تبعیض سازمان‌یافته و مبتنی بر
تبعیض‌های فاحش اجتماعی و جنسیتی، مطالبات
خود را رادیکال‌تر و ساختاری‌تر بیان کنند.
ممدانی و هم‌نسلانش از دل همین واکنش اجتماعی
برآمده‌اند.

جدیدترین نظر خواهی‌ها نشان می‌دهند که دست‌کم
۶۶ درصد دموکرات‌ها سوسیالیسم (دموکراتیک) را
به سرمایه‌داری ترجیح می‌دهند.

در حالی‌که رییس‌جمهور دونالد ترامپ کارزار
پیگرد و آزار مخالفانش را به راه انداخته
است، یک سوسیالیست دموکرات و حامی مردم
فلسطین، که رقیبانش طبعاً او را به
«یهودی‌ستیزی» متهم می‌کنند، به شهرداری شهری
برگزیده شد که وال‌استریت را در خود جای داده
است. نیویورک هم‌چنین، همراه با تل‌آویو، شهری
است که بیش‌ترین شمار یهودیان جهان را در خود

دارد. بسیاری از آنان روز ۴ نوامبر آینده به آقای زهران ممدانی رای دادند.

ممدانی خود را پیرو نوعی «سوسیالیسم» «خدمات محور» می‌داند؛ یعنی به جای تمرکز بر شعارهای رادیکال و انقلابی، کیفیت خدمات شهری را اولویت قرار دهد. ممدانی نیز در مصاحبه‌ای گفت: «می‌خواهیم ایده‌هایمان را نه با سخنرانی، بلکه با عملکرد نشان دهیم.» برنامه او شامل تثبیت اجاره‌ها، حمل‌ونقل عمومی رایگان و سریع، و سرمایه‌گذاری گسترده در مسکن عمومی است.

مورخ آمریکایی جاشوا فریمن می‌گوید: «نیویورک پیش از این هم شهرداری با روحیه سوسیالیستی داشته است.» او به فیورلو لاگاردیا، شهردار نیویورک بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۶ اشاره می‌کند که در دوران «نیو دیل» با اجرای پروژه‌های عمرانی گسترده، اصلاح نظام اجاره و ایجاد سازمان مسکن عمومی، چهره شهر را دگرگون کرد. اما تفاوت بزرگ اینجاست: لاگاردیا در دوره‌ای حکومت کرد که دولت فدرال حامی اصلاحات بود؛

درحالی‌که ممدانی در فضایی بسیار قطبی‌تر و با اقتصادی شکننده‌تر قدرت را در دست خواهد گرفت. برای درک موقعیت امروز «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا»، باید به بنیان‌گذار آن، مایکل هرینگتون بازگشت. او در دهه ۱۹۶۰ با کتاب معروف خود «آمریکای دیگر» چهره فقر در ایالات متحده را آشکار کرد و الهام‌بخش برنامه رفاهی «جامعه بزرگ» لیندون جانسون شد. هرینگتون بر این باور بود که تنها راه پیشبرد عدالت اجتماعی در آمریکا، کار در درون حزب دموکرات است، نه بیرون از آن. پس از مرگ او در سال ۱۹۸۹، سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» سال‌ها در سکوت ماند تا این‌که ظهور برنی سندرز بار دیگر «واژه سوسیالیسم» را در سیاست آمریکا عادی کرد. از دید بسیاری از ناظران، ممدانی ادامه‌دهنده همین مسیر هرینگتونی است: سوسیالیسم دموکراتیکی که نه به دنبال انقلاب، بلکه به دنبال کارآمدی و عدالت اقتصادی است.

ممدانی بخشی از نسل تازه‌ای از سیاستمداران
چپ آمریکایی است که پس از سال ۲۰۱۶ رشد
کردند؛ نسلی که شامل چهره‌هایی چون
الکساندریا اوکازیو-کورتز نیز می‌شود. آنان
برخلاف نسل قدیمی‌تر، از رسانه‌های اجتماعی
برای جذب رأی‌دهندگان جوان و اقلیت‌های قومی
استفاده می‌کنند و بر موضوعاتی ملموس مانند
هزینه مسکن، حمل‌ونقل، و دستمزد تمرکز دارند.
به گفته «گری دورین»، از اعضای موسس
«سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا»، این نسل
توانسته فرهنگ تازه‌ای از سازمان‌دهی شهری در
نیویورک ایجاد کند، اما چالش بزرگ پیش‌رو،
حفظ توازن میان آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی است.
«سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» از
سیاستمداران مورد حمایتش انتظار دارد
«پاسخ‌گو به سازمان» باشند، اما در عین حال
نگران است که آنان با ورود به قدرت، به بخشی
از ساختار سیاسی موجود تبدیل شوند.
با وجود شور و امید حاکم بر پایگاه
اجتماعی‌اش، ممدانی با چالش‌های جدی روبه‌روست.

او باید میان فشارهای حزب دموکرات، انتظارات فعالان سوسیالیست و نیازهای اقتصادی شهری مانند نیویورک توازن برقرار کند. خودش گفته است: «برنامه من الزاما با سیاست‌های ملی DSA یکی نیست». رهبران محلی DSA نیز می‌گویند هدفشان تنها پیروزی انتخاباتی نیست، بلکه ساختن جنبشی اجتماعی است که در سطح محله‌ها ریشه داشته باشد. یکی از آنان می‌گوید: «می‌خواهیم نمایندگان ما موثر باشند، اما نمی‌خواهیم در ساختار قدرت حل شوند». در نهایت، موفقیت یا شکست زهران ممدانی می‌تواند تعیین کند که آینده سوسیالیسم آمریکایی چه مسیری در پیش خواهد گرفت.



تصویری از شوروشوق مردم نیویورک پس از

پیروزی زهران ممدانی © Yuki Iwamura / AP

برنی سندرز خود را سوسیالیست دموکراتیک می‌نامد و گرچه مستقل است، اما به عنوان یک «سوسیالیست دموکرات» به «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» نزدیک است. کارزار او در سال ۲۰۱۶، نقطه عطفی برای این سازمان بود که باعث جذب جوانان و فعالان به آن شد و این کارزار را بزرگترین حرکت سوسیالیستی در تاریخ آمریکا توصیف کردند. سندرز از سیاست‌های لیبرال مانند مراقبت بهداشت همگانی، آموزش رایگان و مقابله با نابرابری اقتصادی حمایت می‌کند.

سندرز یک سناتور مستقل است، اما با سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا (DSA) هم‌فکری دارد. او در اوایل فعالیت سیاسی خود، به جنبش‌های سوسیالیستی و حقوق مدنی پیوسته بود.

سندرز مدافع سیاست‌های سوسیالیستی دموکراتیک مانند مراقبت سلامت همگانی، آموزش دانشگاهی بدون شهریه و افزایش حقوق کارگران است. کارزار انتخاباتی سندرز در سال ۲۰۱۶ باعث شد تا سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا، که در ابتدا گروهی کوچک بود، به یک نیروی سیاسی بزرگ و موثر تبدیل شود و موجی از اعضای جدید را جذب کند.

گرچه سندرز در نهایت از انتخابات ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و جو بایدن را نامزد حزب معرفی نمود، اما نفوذ او در حزب دموکرات به حدی بود که توانست بر پلتفرم حزب و پیام‌های خود تاثیر بگذارد.

اکنون ده‌ها هزار داوطلب که از سوی سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا (DSA)» بسیج شده بودند تا مدانی این نماینده جوان ایالتی را به‌عنوان نماد تازه‌ای از چپ مدرن آمریکا به شهرداری نیویورک برسانند. در نوامبر ۲۰۲۴، مدانی سیاستمداری نسبتاً ناشناخته بود؛ عضو ۳۳ ساله مجلس ایالتی نیویورک که

تصمیم گرفت برخلاف جریان غالب، برای شهرداری نیویورک رقابت کند. در فضایی که کشور پس از انتخاب دوباره دونالد ترامپ به سمت راست سیاسی چرخیده بود و اندرو کومو -چهره‌ای باتجربه از حزب دموکرات- شانس نخست برای نامزدی محسوب می‌شد، حرکت ممدانی در نگاه بسیاری حرکتی آرمان‌گرایانه و بی‌نتیجه تلقی می‌شد.

اما برخلاف انتظار، او با تکیه بر کارزار میدانی گسترده و حضور پررنگ در رسانه‌های اجتماعی و البته با پیگیری برنامه‌هایش، توانست موجی از حمایت مردمی را برانگیزد. ده‌ها هزار داوطلب در سراسر شهر بسیج شدند و در نهایت، ممدانی در انتخابات مقدماتی تابستان، کومو را شکست داد. حالا ممدانی به عنوان شهردار نیویورک سوگند یاد خواهد کرد - و به مهم‌ترین چهره انتخاب‌شده تاریخ «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» تبدیل می‌شود. برای بسیاری از ناظران خارجی، وجود جریان سازمان‌یافته سوسیالیستی در آمریکا عجیب

به نظر می‌رسد. سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» که در سال ۱۹۸۲ و در اوج سیاست‌های بازار آزاد رونالد ریگان شکل گرفت، همواره با این پرسش دست‌به‌گریبان بوده است که رابطه‌اش با حزب دموکرات چگونه باید تعریف شود: تغییر از درون، یا ساختن بدیلی مستقل. در حال حاضر، «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» حدود ۸۰ هزار عضو فعال دارد و یکی از بزرگترین سازمان‌های چپ‌گرای تاریخ آمریکا محسوب می‌شود. پیروزی ممدانی - که با نامزدی حزب دموکرات اما حمایت رسمی «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» وارد میدان شد - می‌تواند این جدال قدیمی را به نفع رویکرد «اصلاح از درون» تغییر دهد.

دو حزب حاکم بر آمریکا، از نتانیاهو دفاع می‌کنند و نه تنها به نسل‌کشی در غزه چشم بسته‌ان بلکه هم بایدن و هم ترامپ از نسل‌کشی دولت اسرائیل به نخست وزیری نتانیاهو دفاع کرده و ترامپ نیز شدیدتر از بایدن با نتانیاهو همراهی می‌کند.

با این وجود، اکثریت مردم آمریکا و در راس همه جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش ضدجنگ از جنگ خونریزی متوالی دو حزب حاکم بر آمریکا و سیاست‌های نژادپرستانه و زن‌ستیز و آزادی‌ستیز آنها بیزارند. حالا کسی به نام ممدانی جوان از بخش رادیکال و سوسیالیستی حزب دموکرات سربلند کرده و قصد دارد به بخشی از مطالبات ضروری و عاجل جامعه از جمله بی‌خانمان‌ها جواب مثبت دهد همین برنامه او، از نظر گرایش‌ها راست و فاشیستی سرمایه‌داری جرم محسوب می‌شود.

حالا ممدانی نباشد و هر کس دیگری هم باشد این مخالفت‌ها ادامه خواهد یافت. در مقابل هر کس و شخص دیگری هم با چند شعار نسبتاً مترقی و چپ به میدان آید مردم از او پشتیبانی خواهند کرد، به شرطی که خود آن فرد محکم و مقاوم در جهت اجرای وعده‌هایش گام بردارد. این دیگر نه کاری به چپ و سوسیالیسم دارد و نه شیعه و اسلام و غیره. اساس مسئله در عملکردهای غیرانسانی سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا و جهان است. بحث

بر سر این است که تعداد انگشتشماری سرمایه‌دار که تمام هم و غم‌شان پول است و بس، زندگی میلیاردرها شهروند جهان را تباه کرده‌اند و به زنجیر اسارت خود درآورده‌اند.

هم‌اکنون میلیون‌ها شهروند آمریکایی، پناهنده و مهاجر بیکار، زاغ‌نشین، بی‌مسکن، کارتن‌خواب و محروم از درمان و بیمارستان و فاقد یک زندگی حتی معمولی بخور و نمیر هستند.

برنی سندرز خود را سوسیالیست دموکراتیک می‌نامد و گرچه مستقل است، اما به‌عنوان یک «سوسیالیست دموکرات» به «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» نزدیک است. کارزار او در سال ۲۰۱۶، نقطه عطفی برای این سازمان بود که باعث جذب جوانان و فعالان به آن شد و این کارزار را بزرگترین حرکت سوسیالیستی در تاریخ آمریکا توصیف کردند. سندرز از سیاست‌های لیبرال مانند مراقبت بهداشت همگانی، آموزش رایگان و مقابله با نابرابری اقتصادی حمایت می‌کند.

سندرز یک سناتور مستقل است، اما با سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا (DSA) هم‌فکری دارد. او در اوایل فعالیت سیاسی خود، به جنبش‌های سوسیالیستی و حقوق مدنی پیوسته بود. سندرز مدافع سیاست‌های سوسیالیستی دموکراتیک مانند مراقبت سلامت همگانی، آموزش دانشگاهی بدون شهریه و افزایش حقوق کارگران است.

کارزار انتخاباتی سندرز در سال ۲۰۱۶ باعث شد تا سازمان سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا، که در ابتدا گروهی کوچک بود، به یک نیروی سیاسی بزرگ و موثر تبدیل شود و موجی از اعضای جدید را جذب کند.

گرچه سندرز در نهایت از انتخابات ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و جو بایدن را نامزد حزب معرفی نمود، اما نفوذ او در حزب دموکرات به حدی بود که توانست بر پلتفرم حزب و پیام‌های خود تاثیر بگذارد.



ممدانی و سندرز

اکنون ده‌ها هزار داوطلب که از سوی سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا (DSA)» بسیج شده بودند تا ممدانی این نماینده جوان ایالتی را به‌عنوان نماد تازه‌ای از چپ مدرن آمریکا به شهرداری نیویورک برسانند. در نوامبر ۲۰۲۴، ممدانی سیاست‌مداری نسبتاً ناشناخته بود؛ عضو ۳۳ ساله مجلس ایالتی نیویورک که تصمیم گرفت برخلاف جریان غالب، برای شهرداری نیویورک رقابت کند. در فضایی که کشور پس از انتخاب دوباره دونالد ترامپ به سمت راست

سیاسی چرخیده بود و اندرو کومو -چهره‌ای باتجربه از حزب دموکرات- شانس نخست برای نامزدی محسوب می‌شد، حرکت ممدانی در نگاه بسیاری حرکتی آرمان‌گرایانه و بی‌نتیجه تلقی می‌شد.

اما برخلاف انتظار، او با تکیه بر کارزار میدانی گسترده و حضور پررنگ در رسانه‌های اجتماعی و البته با پیگیری برنامه‌هایش، توانست موجی از حمایت مردمی را برانگیزد. ده‌ها هزار داوطلب در سراسر شهر بسیج شدند و در نهایت، ممدانی در انتخابات مقدماتی تابستان، کومو را شکست داد. حالا ممدانی به عنوان شهردار نیویورک سوگند یاد خواهد کرد - و به مهم‌ترین چهره انتخاب‌شده تاریخ «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» تبدیل می‌شود. برای بسیاری از ناظران خارجی، وجود جریان سازمان‌یافته سوسیالیستی در آمریکا عجیب به نظر می‌رسد. سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» که در سال ۱۹۸۲ و در اوج سیاست‌های بازار آزاد رونالد ریگان شکل گرفت، همواره

با این پرسش دسته‌گیربان بوده است که رابطه‌اش با حزب دموکرات چگونه باید تعریف شود: تغییر از درون، یا ساختن بدیلی مستقل. در حال حاضر، «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» حدود ۸۰ هزار عضو فعال دارد و یکی از بزرگترین سازمان‌های چپ‌گرای تاریخ آمریکا محسوب می‌شود. پیروزی ممدانی - که با نامزدی حزب دموکرات اما حمایت رسمی «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» وارد میدان شد - می‌تواند این جدال قدیمی را به نفع رویکرد «اصلاح از درون» تغییر دهد.

ممدانی با تمرکز ویژه بر مسئله «هزینه زندگی» کارزار انتخاباتی خود را به پیش برد. او گفت: «این شهر جایی است که یک نفر از هر چهار نفر در فقر زندگی می‌کند. جایی که ۵۰۰ هزار کودک هر شب گرسنه به خواب می‌روند؛ و شهری که در آستانه از دست دادن چیزی است که آن را خاص کرده است.»

مهم‌ترین وعده‌های او در انتخابات شامل رایگان کردن حمل‌ونقل اتوبوس در سراسر شهر، اعمال

سقف کرایه و برخورد سختگیرانه با صاحبخانه‌های متخلف، تأسیس فروشگاه‌های زنجیره‌ای ارزان‌قیمت متعلق به شهرداری، ارائه مهدکودک رایگان برای کودکان ۶ هفته تا ۵ سال و سه برابر کردن ساخت خانه‌های مقرون‌به‌صرفه با نظارت اتحادیه‌ها بود.

او همچنین وعده داده دفتر شهرداری را بازسازی کند تا صاحبان املاک را پاسخگو سازد و میزان خانه‌های دائماً مقرون‌به‌صرفه را به شدت افزایش دهد.

کمپین او با حرکات نمایشی و تبلیغات تصویری جذاب همراه بود. حتی چند روز پیش از انتخابات، کل مسیر جزیره منهن را پیاده طی کرد و در طول مسیر با رای‌دهندگان عکس‌یادگاری گرفت.

موضع‌گیری‌های ممدانی درباره جنگ غزه و مناقشه فلسطین و اسرائیل یکی از بحث‌برانگیزترین بخش‌های فعالیت‌های اوست. او همواره حامی سرسخت فلسطینی‌ها بوده و از سیاست‌های دولت

اسرائیل به شدت انتقاد کرده است. او در مجلس ایالتی نیویورک، لایحه‌ای ارائه داد تا معافیت مالیاتی موسساتی را که به شهرک‌های اسرائیلی ناقض قوانین حقوق بشر کمک می‌کنند، لغو کند. ممدانی بارها اسرائیل را به نسل‌کشی در غزه و پیروی از سیاست آپارتاید متهم کرده و گفته است بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل، باید محاکمه شود. او در گفت‌وگویی گفت: «من نمی‌توانم از وجود هیچ دولتی که بر پایه نابرابری دینی یا هر معیار دیگری بنا شده باشد، حمایت کنم. برابری باید در همه کشورهای دنیا اجرا شود.» البته او بعدها در گفت‌وگویی در «لِیت شو» گفت که به حق موجودیت اسرائیل به عنوان یک کشور باور دارد و تأکید کرد: «همه کشورها حق موجودیت دارند و وظیفه دارند به قوانین بین‌المللی پایبند باشند.» او همچنین گفته است که هیچ‌گونه تحملی برای یهودستیزی در نیویورک قائل نیست و در صورت شهردار شدن، بودجه مقابله با جرایم نفرت‌محور را افزایش خواهد داد. در سوی دیگر، اندرو

کومو خود را «حامی افراطی اسرائیل» معرفی کرده است.

پیروزی زهران ممدانی-جوان‌ترین شهردار و اولین سوسیالیست دمکرات بزرگترین و ثروتمندترین شهر جهان، یعنی نیویورک است. ممدانی در کامپالا، اوگاندا، از پدری دانشگاهی به نام محمود ممدانی و مادری فیلم‌ساز به نام میرا نایر متولد شد. در ۷ سالگی به نیویورک مهاجرت کرد.

جدیدترین نظر خواهی‌ها نشان می‌دهند که دستکم ۶۶ درصد دموکرات‌ها سوسیالیسم (دموکراتیک) را به سرمایه‌داری ترجیح می‌دهند.

در حالی‌که رییس‌جمهور دونالد ترامپ کارزار پیگرد و آزار مخالفانش را به راه انداخته است، یک سوسیالیست دموکرات و حامی مردم فلسطین، که رقیبانش طبعاً او را به «یهودی‌ستیزی» متهم می‌کنند، به شهرداری شهری برگزیده شد که وال‌استریت را در خود جای داده است. نیویورک هم‌چنین، همراه با تل‌آویو، شهری است که بیشترین شمار یهودیان جهان را در خود

دارد. بسیاری از آنان روز ۴ نوامبر آینده به آقای زهران ممدانی رای دادند.

ممدانی خود را پیرو نوعی «سوسیالیسم» «خدمات محور» می‌داند؛ یعنی به‌جای تمرکز بر شعارهای رادیکال و انقلابی، کیفیت خدمات شهری را اولویت قرار دهد. ممدانی نیز در مصاحبه‌ای گفت: «می‌خواهیم ایده‌هایمان را نه با سخنرانی، بلکه با عملکرد نشان دهیم.» برنامه او شامل تثبیت اجاره‌ها، حمل‌ونقل عمومی رایگان و سریع، و سرمایه‌گذاری گسترده در مسکن عمومی است.

مورخ آمریکایی جاشوا فریمن می‌گوید: «نیویورک پیش از این هم شهرداری با روحیه سوسیالیستی داشته است.» او به فیورلو لاگاردیا، شهردار نیویورک بین سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۶ اشاره می‌کند که در دوران «نیو دیل» با اجرای پروژه‌های عمرانی گسترده، اصلاح نظام اجاره و ایجاد سازمان مسکن عمومی، چهره شهر را دگرگون کرد. اما تفاوت بزرگ اینجاست: لاگاردیا در دوره‌ای حکومت کرد که دولت فدرال حامی اصلاحات بود؛

درحالی‌که ممدانی در فضایی بسیار قطبی‌تر و با اقتصادی شکننده‌تر قدرت را در دست خواهد گرفت. برای درک موقعیت امروز «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا»، باید به بنیان‌گذار آن، مایکل هرینگتون بازگشت. او در دهه ۱۹۶۰ با کتاب معروف خود «آمریکای دیگر» چهره فقر در ایالات متحده را آشکار کرد و الهام‌بخش برنامه رفاهی «جامعه بزرگ» لیندون جانسون شد. هرینگتون بر این باور بود که تنها راه پیشبرد عدالت اجتماعی در آمریکا، کار در درون حزب دموکرات است، نه بیرون از آن. پس از مرگ او در سال ۱۹۸۹، سازمان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» سال‌ها در سکوت ماند تا این‌که ظهور برنی سندرز بار دیگر «واژه سوسیالیسم» را در سیاست آمریکا عادی کرد. از دید بسیاری از ناظران، ممدانی ادامه‌دهنده همین مسیر هرینگتونی است: سوسیالیسم دموکراتیکی که نه به دنبال انقلاب، بلکه به دنبال کارآمدی و عدالت اقتصادی است.

ممدانی بخشی از نسل تازه‌ای از سیاستمداران
چپ آمریکایی است که پس از سال ۲۰۱۶ رشد
کردند؛ نسلی که شامل چهره‌هایی چون
الکساندریا اوکازیو-کورتز نیز می‌شود. آنان
برخلاف نسل قدیمی‌تر، از رسانه‌های اجتماعی
برای جذب رأی‌دهندگان جوان و اقلیت‌های قومی
استفاده می‌کنند و بر موضوعاتی ملموس مانند
هزینه مسکن، حمل‌ونقل، و دستمزد تمرکز دارند.
به گفته «گری دورین»، از اعضای موسس
«سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا»، این نسل
توانسته فرهنگ تازه‌ای از سازمان‌دهی شهری در
نیویورک ایجاد کند، اما چالش بزرگ پیش‌رو،
حفظ توازن میان آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی است.
«سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» از
سیاستمداران مورد حمایتش انتظار دارد
«پاسخ‌گو به سازمان» باشند، اما در عین حال
نگران است که آنان با ورود به قدرت، به بخشی
از ساختار سیاسی موجود تبدیل شوند.
با وجود شور و امید حاکم بر پایگاه
اجتماعی‌اش، ممدانی با چالش‌های جدی روبه‌روست.

او باید میان فشارهای حزب دموکرات، انتظارات فعالان سوسیالیست و نیازهای اقتصادی شهری مانند نیویورک توازن برقرار کند. خودش گفته است: «برنامه من الزاما با سیاست‌های ملی DSA یکی نیست». رهبران محلی DSA نیز می‌گویند هدفشان تنها پیروزی انتخاباتی نیست، بلکه ساختن جنبشی اجتماعی است که در سطح محله‌ها ریشه داشته باشد. یکی از آنان می‌گوید: «می‌خواهیم نمایندگان ما موثر باشند، اما نمی‌خواهیم در ساختار قدرت حل شوند». در نهایت، موفقیت یا شکست زهران ممدانی می‌تواند تعیین کند که آینده سوسیالیسم آمریکایی چه مسیری در پیش خواهد گرفت.

زهران ممدانی، کارزاری درون تشکیلات حزب موجود برپا کرد. هدف اولیه‌اش در واقع منتخب شدن نبود، بلکه می‌خواست نامزد دموکرات دیگری، آقای برادفورد اس. لندر، ناظر کل امور مالی نیویورک را به سمت جناح چپ سوق بدهد. ممدانی حامل پیامی است درباره نابرابری‌ها در شهری که در آن شکاف‌های زننده ثروت حکمفرما

هستند، خصوصیت‌های او هیچ شباهتی به نامزدهای مرسوم ندارد.

او در سال ۱۹۹۱ در اوگاندا از والدینی هندی‌تبار متولد شد و در هفت‌سالگی، هنگامی که پدرش در دانشگاه کلمبیا به‌عنوان استاد مطالعات پسا استعماری استخدام شد، به ایالات متحده آمد. به‌همراه مادرش -فیلم‌سازخانم میرا نایر-، خانواده در اپر وست ساید ساکن شدند. او در قالب همین خانواده فرهیخته پرورش یافت، به ایالت مین رفت و در کالج بودوین، تحصیل کرد، جایی که شاخه‌ای از سازمان «دانشجویان برای عدالت در فلسطین» را بنیان گذاشت. سپس به نیویورک بازگشت تا مشاور پیشگیری از مصادره املاک مسکونی شود. در سال ۲۰۲۰، به مجمع ایالتی نیویورک راه یافت، سمتی که آن را برای تقویت بخش‌های محلی سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا (DSA) به کار گرفت. از جمله در سال ۲۰۲۱، همراه رانندگان تاکسی در اعتصاب غذایی برای مطالبه کاهش بدهی‌هایشان شرکت کرد. و برای پیشبرد قانون‌گذاری در مورد

انرژی‌های تجدیدپذیر، حمل‌ونقل عمومی و حمایت در برابر اخراج‌های ناب‌ه‌جای اجاره‌نشینان، تلاش نمود.

برای تدارک انتخابات درون‌حزبی دموکرات‌ها — که در ۲۴ ژوئن با قاطعیت پیروز آن شد. مدانی نیرویی از پنجاه هزار داوطلب را به میدان آورد که وظیفه جمع‌آوری امضا، ثبت‌نام رای‌دهندگان، گردآوری کمک‌های مالی، سر زدن از خانه‌ای به خانه دیگر و آگاه‌سازی شهروندان درباره رای دادن را به عهده داشت؛ عملیاتی که در قامت کارزارهای ریاست‌جمهوری برنی سندرز بود. همه این‌ها با ارتباطی موثر در شبکه‌های اجتماعی همراه شد، جایی که می‌شد او را دید که همواره خوش‌برخورد، پنج‌بخش شهر نیویورک را پیاده، با حمل‌ونقل عمومی یا سوار بر یک تاکسی زرد می‌پیماید.

در مقایسه، ورود رقیب دموکرات او، اندرو کوئومو، طعم اجتناب‌ناپذیر غم‌انگیزی داشت. هرچند رسانه‌ها از بازگشت سخن گفتند، نامزدی او بیشتر ظاهری شبیه راه‌حل عقب‌نشینی داشت،

آن هم برای سمتی که وی طی یازده سال فرمانداری ایالت نیویورک پیوسته کوشیده بود آن را تضعیف کند. در آن سمت، او منابع شهر را محدود ساخت و در سنا ایالتی توافقی را پیش برد که پیامد ملموس آن‌ها شامل، کاهش بودجه مدیکید (بیمه درمانی فقیرترین‌ها)، بودجه مدارس دولتی، سازمان حمل‌ونقل شهری و یا برنامه مهدکودک‌ها بود. پشت سکوت نمایی هنگام دیدارهای کارزار انتخاباتی در کنیسه‌ها، کلیساها، دفترهای اتحادیه‌ها و انجمن‌های کهنه‌سربازان، که از تحقیر او نسبت به واقعیت‌های تلخ کلان‌شهری حکایت می‌کرد و این امور را تنها از دور، در سنگرش در آلبانی، مقر دولت ایالتی در بیش از دویست کیلومتری نیویورک اداره می‌کرد.

تنها در یک هفته پس از تایید نتایج، وال‌استریت ژورنال ده سرمقاله خصمانه علیه آقای ممدانی منتشر کرد. باید منتظر حملات دیگری هم بود که لحن و سخنوری «سال‌های

بوش» (۲۰۰۹-۲۰۰۱)، و آثاری از مکارتیسم و اتهامات یهودستیزی را در هم می‌آمیزد. سناتور دموکرات، خانم کرستن جیلیبرند - آلت دست گروه فشار و لابی دخیانیات - آغازگر بود و گفت به دلیل «ارجاعات او به جهاد جهانی» نمی‌تواند از مددانی حمایت کند. (که بعداً عذر خواست) شهردار پیشین جمهوری خواه، آقای رودولف جولیان، خط حمله دیگری پیشنهاد کرد: او را به عنوان «ترکیبی از افراط‌گرایی اسلامی و کمونیست» توصیف کرد که اگر مانع ورود ماموران ICE به شهر شود باید بی‌درنگ بازداشت گردد. و از میان شخصیت‌ها و بزرگان حزب که در نیویورک نفوذ دارند — نه دو سناتور، نه فرماندار و نه رهبر اقلیت دموکرات در مجلس نمایندگان، هیچ‌کدام طبق رسم معمول در چنین مواقعی برای اعلام حمایت، نشتافتند.

شهردار مستقر، که برای بقای سیاسی‌اش از هیچ کاری نمی‌گذرد، می‌خواست با شعار «پایان دادن به یهودستیزی» کارزاری به راه بیاندازد. اما آقای آدامز چنان در رسوایی‌ها گرفتار بود -

پیگردهای فدرال در مورد فساد و تامین غیرقانونی بودجه کارزار که تنها با توافق با ترامپ متوقف شد- که گزینه ای پرریسک برای حزب دموکرات به شمار می‌رود. از سوی دیگر، آقای کوئومو پس از شکست سنگین در مقدماتی تصمیم گرفت در انتخابات ۴ نوامبر به عنوان نامزد مستقل شرکت کند و در جمع حامیان مالی از روابط گرمش با ترامپ تعریف کرد و به آن بالید. از این گذشته، ترامپ پشت‌پرده کوشیده آقای آدامز و نامزد جمهوری خواه، آقای کرتیس اسلیوا، را با وعده پست سفارت یا مقامی در دولتش به کناره گیری ترغیب کند تا کوئومو بتواند اکثر آرای ضد ممدانی را کسب کند.

با این وجود در طول کارزار، کانیدا سوسیالیست نکات قوت برنامه اش را پیوسته تکرار کرد: ایجاد شبکه ای از اتوبوس های تندرو و رایگان، ممنوعیت افزایش اجاره ها در مناطق مشمول کنترل، برنامه آزمایشی پنج سوپرمارکت دولتی برای مقابله با قیمت گذاری های گزاف و تاکتیک های ضد اتحادیه ای فروشگاه های زنجیره

ای بزرگ؛ مراقبت و نگهداری رایگان از کودکان برای همگان، و مالیات ۲ درصد بر ثروتمندان (با درآمد سالانه بالای یک میلیون دلار) برای تامین بخش اصلی این اقدامات. او همچنین وعده داد با قرار دادن «فرماندهی در دست بخش عمومی»، طی ده سال ۲۰۰ هزار واحد مسکونی با اجاره تعدیل شده بسازد، او در کل به تنظیم اموری خواهد پرداخت که مربوط به مناطق حاشیه ای شهر، ابزارهای موجود مانند ضوابط کاربری زمین، فرایندهای تأیید، یارانه ها یا مشوق های مالیاتی و قواعد ساخت و ساز بر اراضی شهرداری، می شود. برنامه اش، بازتاب حال و هوای زمانه، نسخه ای نسبتاً ملاحظه کارانه از سوسیالیسم عرضه می کند. تصمیم برای نامزدی تحت لوای دموکرات ها (نه در برابرشان) او را ناگزیر به سازگاری با حزب در شکل فعلی آن، کرده است.



پیروزی ممدانی نه تنها درون ساختار حزب دموکرات، بلکه در کلیت عرصه سیاسی و اجتماعی ایالات متحده می‌تواند پیامد و تأثیرات عمیق داشته بود. او موفق شد با اتکا به شبکه‌ای از بیش از پنجاه هزار داوطلب، کارزاری اجتماعی و برنامه‌محور به راه اندازد که خواسته‌های ملموس مانند کنترل اجاره‌بها، حمل‌ونقل رایگان، دسترسی برابر به خدمات بهداشتی و موضع‌گیری صریح در حمایت از حقوق فلسطینیان را در مرکز توجه قرار دهد. این پیروزی، نشان‌دهنده آن است که امکان پیوند دوباره

سیاست با زندگی روزمره مردم، و سیاست‌ورزی مبتنی بر خواسته‌های اجتماعی و نه تنها رقابت‌های حزبی، همچنان وجود دارد.

پیشتر جناح راست افراطی و در دوره تبلیغات ریاست جمهوری ترامپ، با تکیه بر گفتمان‌های نژادپرستانه، ضد‌مهاجرتی و اقتدارگرایانه، توانسته نیروی توده‌ای در میان بخش‌هایی از جامعه آمریکا بسیج کند. ترامپ با تلفیق پوپولیسم راست، همچنان پایگاه محکمی در میان اقشار سفیدپوست طبقه متوسط دارد. از سوی دیگر، حزب دموکرات با رهبری میانه‌رو و ناتوان از اتخاذ مواضع قاطع، نه‌تنها در برابر ترامپیسم ایستادگی موثر نداشته، بلکه در مقابل رشد چپ نیز ناتوان و در موضع دفاعی بوده است. تلاش سرمایه‌دارانی چون بیل اکرمین برای حمایت مالی از کاندیداهای معتدل حزب با هدف جلوگیری از قدرت‌گیری چپ، گواهی بر این وضعیت تدافعی است.

در این میان، نیروی سوم، یعنی چپ رادیکال (متشکل از طیفی از کنشگران اجتماعی،

اتحادیه‌های کارگری، جنبش‌های ضدنژادپرستی، و چهره‌هایی چون ممدانی و سندرز) در حال تثبیت خود به‌عنوان بازیگری واقعی در عرصه سیاست آمریکاست. این نیرو، نه با تکیه بر سرمایه یا رسانه، بلکه با اتکا به شبکه‌سازی اجتماعی، سازمان‌یابی میدانی، و شفافیت برنامه سیاسی، توانسته اعتماد گروه‌هایی را جلب کند که سال‌ها از فرآیندهای سیاسی کنار گذاشته شده بودند. در چنین ساختاری، سیاست آمریکا، بیش از پیش در حال حرکت به‌سوی نوعی سه‌قطبی‌شدن سوق پیدا می‌کند: راست افراطی ترامپیست، مرکز نئولیبرال ناکارآمد، و چپ سوسیالیستی در حال صعود. مرزهای میان این سه نیرو دیگر نه صرفاً برنامه‌ای، بلکه اجتماعی و طبقاتی‌اند. چپ در حال حاضر تنها نیرویی است که می‌کوشد میان مطالبات اقتصادی و عدالت نژادی، مسکن و سیاست خارجی، و انتخابات و خیابان پیوند برقرار کند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پروژه‌ی ممدانی، عبور از موضع صرفاً مقاومتی و ورود به عرصه

کنشگری سازمان‌یافته است. ممدانی نه در حاشیه، بلکه در دل نهادهای انتخابی سیاست‌ورزی کرد، و این در حالی‌ست که پیوند خود را با جنبش‌های اعتراضی حفظ کرد.

جنبش‌هایی چون «نه به پادشاهی» (No Kings) که میلیون‌ها آمریکایی را در اعتراض به بازگشت ترامپ به خیابان‌ها آوردند، زمانی معنا خواهند داشت که بتوانند به پروژه‌ای پایدارتر از مقاومت بدل شوند. اکنون تجربه ممدانی نشان داد که میان اعتراض میدانی و برنامه‌ریزی انتخاباتی نه تضاد، بلکه امکان پیوند وجود دارد. اما این همه ماجرا نیست. ساختارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ورود نیروهای مردمی به درون آن‌ها همواره با مقاومت روبه‌روست. فرمانداری نیویورک، شوراهای شهری، و بوروکراسی محلی، همچنان در اختیار جناح‌های میانه‌رو یا محافظه‌کار است. همچنین، رسانه‌ها و نهادهای مالی برای تخریب چهره‌های چپ، به‌ویژه آنان که مواضعی حامی فلسطین دارند، به‌شدت فعال‌اند.

در عین حال، چپ باید بتواند انسجام سازمانی خود را حفظ کند و پیوند خود را با نهادسازی مستقل، شبکه‌سازی در میان اتحادیه‌ها و جوامع محلی، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، و تداوم آموزش سیاسی بپردازد. برای تثبیت این جریان، ضروری است که ساختارهایی برای انتقال قدرت و مشارکت واقعی شهروندان مانند شوراها و انجمن‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد کرد.

در این میان، روشن است که تجربه نیویورک می‌تواند الگویی برای سایر شهرها و ایالتها باشد. اگر ممدانی بتواند در ابتدا برنامه‌های خود عملی کند؛ در برابر فشارهای ساختاری ایستادگی کند و وعده‌های انتخاباتی خود را متحقق سازد، آنگاه چپ رادیکال می‌تواند به نیرویی پایداری و سراسری در سیاست آمریکا و سپس جهان بدل شود. در غیر این صورت، وضعیت نابسامان و فلاکت‌بار امروزی ترامپ‌یسم همچنان ادامه خواهد یافت.

فعالیت رسمی ممدانی در عرصه سیاسی از سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ میلادی) آغاز شد، زمانی که به عنوان عضو حزب دموکرات نامزد مجلس ایالتی نیویورک شد. او در انتخابات سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰ میلادی) توانست با شکست نماینده وقت، به عنوان نماینده منطقه ۳۶ نیویورک (شامل آستوریا و بخش‌هایی از کویینز) وارد مجلس ایالتی شود. ممدانی از همان ابتدا با گرایش‌های سوسیالیستی و مردمی شناخته شد و به سرعت در کنار چهره‌هایی مانند الکساندریا اوکاسیو-کورتز به یکی از رهبران جریان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» در نیویورک تبدیل شد. اصلی‌ترین محور فعالیت‌های ممدانی بر عدالت اقتصادی، مسکن ارزان‌قیمت، اصلاح نظام حمل‌ونقل عمومی و مبارزه با تبعیض نژادی و طبقاتی استوار است. او همواره تاکید دارد که «دولت محلی باید زندگی را برای طبقات کارگر آسان‌تر کند» و سیاست‌ورزی را ابزاری برای بهبود شرایط زیستی مردم عادی می‌داند.

در طول فعالیت خود در مجلس ایالتی، طرح‌هایی در زمینه افزایش بودجه مسکن عمومی، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل شهری و بهبود دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی ارائه کرده است.

در انتخابات شهرداری نیویورک در ۱۳ آبان ۱۴۰۴ (۴ نوامبر ۲۰۲۵)، زهران ممدانی توانست با غلبه بر فرماندار سابق ایالت، اندرو کومو، به عنوان شهردار جدید نیویورک انتخاب شود. پیروزی او که در فضایی از نارضایتی عمومی نسبت به هزینه‌های بالای زندگی رقم خورد، به عنوان پیروزی جناح چپ حزب دموکرات تعبیر شد.

ممدانی در این رقابت با شعار «شهری که بتوانیم در آن زندگی کنیم» وارد میدان شد و وعده داد تا با اصلاحات ساختاری، هزینه مسکن، آموزش و مراقبت از کودکان را برای شهروندان کاهش دهد.

زهران ممدانی در حال حاضر در منطقه آستوریا در شهر نیویورک زندگی می‌کند. او علاقه‌مند به موسیقی هیپ‌هاپ و سینمای اجتماعی است و در

مصاحبه‌های خود بارها تاکید کرده که «سیاست باید صدای مردم عادی باشد، نه شرکت‌های بزرگ.» ممدانی، موضعی بسیار انتقادی نسبت به دولت اسرائیل اتخاذ کرده است. او دولت اسرائیل را متهم به اجرای سیاست‌های آپارتاید در سرزمین‌های اشغالی فلسطین کرده است.

شهردار جدید نیویورک از تحریم اقتصادی و فرهنگی دولت اسرائیل حمایت کرده و اقدامات این جنبش را در راستای حقوق بین‌الملل اعلام کرده است.

رسانه‌های آمریکا، ممدانی را از مخالفان جدی دونالد ترامپ رییس جمهوری آمریکا اعلام کرده‌اند. وی، تهدیدات ترامپ مبنی بر دستگیری یا اخراج او به‌عنوان یک سیاستمدار آفریقایی‌تبار را «حمله به دموکراسی» و تاکتیکی برای سرکوب صدای طبقات کارگر ارزیابی کرده است.

ممدانی تاکید دارد که ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری نتوانسته خواسته‌های اقتصادی

مردم مثل کاهش هزینه‌های زندگی را برآورده کند.

در حالی که ترامپ، ممدانی را کمونیست و یک فاجعه خوانده، ممدانی گفته است که ترامپ می‌خواهد آتش اختلافات را برافروزد تا شکست برنامه‌هایش در حمایت از طبقه کارگر را بپوشاند.

ترامپ، ممدانی را تهدیدی برای ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی ایالات متحده معرفی کرده و در مقابل، ممدانی تلاش ترامپ برای ایدئولوژیک جلوه دادن این تقابل را تلاش برای سرپوش گذاشتن بر رسیدگی نکردن به مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم دانسته است.

رویترز در گزارشی نوشت: ممدانی، سوسیالیست دموکرات ۳۴ ساله، با شعارهایی چون کنترل اجاره‌بها، مالیات بر ثروتمندان و سیاست‌های رفاهی گسترده توانست در یکی از مراکز جهانی سرمایه‌داری رای قاطع کسب کند. همین موضوع باعث شده است احزاب چپ اروپا این پیروزی را

نشانه‌ای از امکان تغییر در شرایط داخلی خود بدانند.

اکنون پیروزی چشم‌گیر ممدانی، امید به پیروزی را در میان احزاب اروپایی دامن زده است. همان‌زور که پیش‌تر که پیروزی ترامپ، جرات بیشتری به گرایش‌های فاشیستی و دولت‌های روپایی در تعرض به حقوق کارگران و مهاجرین و پناهنده‌گان داده بود.

اکنون احزاب چپ در بریتانیا، آلمان و فرانسه این پیروزی را «الهام‌بخش» توصیف کرده‌اند. «زک پولانسکی»، نخستین رهبر یهودی و آشکارا همجنس‌گرای حزب سبز انگلستان و ولز که در سال جاری انتخاب شد، از نظر استفاده از رسانه‌های اجتماعی و درخواست برای وضع مالیات بر ثروت برای کاهش نابرابری با ممدانی مقایسه شده است.

پولانسکی در گفت‌وگو با رویترز با شور و شغف گفت: پیروزی ممدانی نشان می‌دهد که «امید بر نفرت پیروز شده است.» او افزود: «این رخداد

فقط برای نیویورک اهمیت ندارد، بلکه در سراسر جهان طنین دارد. این درباره‌ی بهبود زندگی مردم است؛ درباره‌ی به رسمیت شناختن نابرابری‌هایی که نه فقط در قلب نیویورک، بلکه صادقانه بگویم، در بیشتر نقاط جهان وجود دارد.»

«و این پیام روشنی است: باید هزینه‌های مردم را کاهش دهیم و از میلیونرها و میلیاردرها مالیات بگیریم»، پولانسکی گفت. حزب او پس از کسب تنها چهار کرسی در سال ۲۰۲۴، اکنون در نظرسنجی‌ها رشد قابل توجهی داشته است.



«زک پولانسکی»، رهبر یهودی و همجنس‌گرای حزب
سبز انگلستان

در بریتانیا، مسئله هزینه زندگی به موضوعی کلیدی بدل شده است؛ به‌ویژه پس از آن‌که نرخ تورم مواد غذایی در مارس ۲۰۲۳ به ۱۹ درصد - بالاترین سطح در ۴۵ سال گذشته - رسید. «ریچل ریوز»، وزیر دارایی، نیز از «تصمیم‌های دشوار» و احتمال افزایش مالیات‌ها سخن گفته است.

در فضای سیاسی قطبی کنونی، حزب چپ آلمان در انتخابات فدرال فوریه گذشته با نتیجه‌ای غیرمنتظره ظاهر شد و امیدوار است در انتخابات محلی سال آینده، از جمله در پایتخت برلین، بر آن موفقیت بیفزاید. اعضای این حزب، همچون دیگر چپ‌گرایان اروپایی، در جریان کارزار انتخاباتی از نیویورک دیدن کرده بودند.

«یان فان آکن»، رهبر حزب چپ آلمان، به رویترز گفت: «مشکلاتی که مردم نیویورک با آن روبه‌رو هستند، بسیار شبیه به مسائلی است که ما در گفت‌وگو با مردم آلمان از آن‌ها می‌شنویم. اجاره‌خانه‌ها غیرقابل‌تحمل شده و قیمت مواد

غذایی، برق، گرمایش و حمل‌ونقل عمومی سریع‌تر از دستمزدها بالا می‌رود.»

او افزود: «ما با زهران ممدانی و تیمش در تماس نزدیک هستیم و از یکدیگر می‌آموزیم. کارزار او مانند الگویی برای انتخابات سال آینده‌ی برلین است. پیروزی زهران ممدانی به ما نیروی تازه‌ای داده است.»

در آلمان، حزب چپ Die Linke که در انتخابات فدرال امسال نتایج فراتر از انتظار گرفت، می‌گوید کمپین ممدانی «الگویی» برای ادامه پیشروی در انتخابات سال آینده، از جمله در برلین است.

یان فان آکن، رییس این حزب، تأکید کرد مشکلات مردم نیویورک – از بحران مسکن تا افزایش هزینه‌های زندگی – همان مشکلاتی است که شهروندان آلمان نیز هر روز تجربه می‌کنند.

درحالی‌که بسیاری از احزاب چپ اروپا در سال‌های اخیر تحت فشار رشد راست افراطی به سخت‌گیری بیشتر درباره مهاجرت روی آورده‌اند، ممدانی با تمرکز بر عدالت اقتصادی نشان داد بازگشت

به مسائل معیشتی می‌تواند نیروی سیاسی تازه‌ای ایجاد کند.

فیلیپ کوکر، پژوهشگر علوم سیاسی در هانوفر گفت:

«احزاب چپ برای جلوگیری از ریزش آرا باید به جای تقلید از راست افراطی، بر مسائل اصلی مانند هزینه‌های زندگی راه‌حل‌های خود را ارائه کنند.»

در بریتانیا و آلمان، پیروزی ممدانی به‌عنوان هشدار برای حزب کارگر و سوسیال‌دموکرات‌های SPD تعبیر شده است. این احزاب می‌کوشند بار دیگر بر سیاست‌های اجتماعی تمرکز کنند تا از دست دادن حمایت طبقه کارگر را جبران نمایند. راشا ناصر، نماینده SPD، گفت باید به «عمق مطالبات اجتماعی اکثریت جامعه» بازگشت.

اگرچه ممدانی با برنامه‌ای جسورانه به پیروزی رسید، اما اجرای آن آسان نخواهد بود: دولت ترامپ تهدید کرده است کمک‌های فدرال به نیویورک را کاهش دهد؛ گروه‌های مالی و لابی‌های

اقتصادی نسبت به سیاست‌های او نگران‌اند؛ فشار برای موفقیت سریع بسیار بالاست.

جیمز اشنایدر، مشاور سابق ارتباطات حزب کارگر بریتانیا به رویترز، گفت:

«اکنون مرحله سخت آغاز شده است: تبدیل رای

مردمی به تغییر واقعی در زندگی شهروندان.»

«فیلیپ کِکر»، استاد علوم سیاسی دانشگاه

هانوفر، گفت: این تجربه نشان می‌دهد احزابی

که می‌خواهند در انتخابات پیروز شوند - یا

نمی‌خواهند رأی‌دهندگان‌شان را به راست

پوپولیست ببالزند - باید به مسائل محوری خود

وفادار بمانند و راه‌های ویژه خود را برای

مشکلات موجود ارائه دهند، نه اینکه با تقلید

از راست‌گرایان و اتخاذ سیاست‌های ضد مهاجرتی

خود را از آنان متمایز کنند.

به نظر می‌رسد شکست جمهوریخواهان در انتخابات

دیروز سه‌شنبه در نیویورک و ویرجینیا و

نیوجرسی، آزمونی مهم برای رئیس‌جمهور دونالد

ترامپ و حزب او در آستانه انتخابات

میان‌دوره‌ای آینده‌کنگره است. همچنین این

شکست، آزمونی برای توانایی حزب دموکرات در عبور از اختلافات داخلی خود به شمار می‌رود. توجیه ترامپ در اولین واکنش خود، در پلتفرم تروث‌سوشال گفت که عدم حضور نام او روی برگه رای و تعطیلی دولت، دو عامل شکست جمهوری خواهان در انتخابات بوده است. در واکنش‌های دیگر، شبکه NBC از رهبر دموکرات‌ها در مجلس سنا، چاک شومر، نقل کرد که نتایج انتخابات، رد قاطع دستورکار ترامپ است.

شومر گفت مردم آمریکا قساوت و هرج و مرج و طمع‌ی را که شاخص افراطی‌گری جنبش «آمریکا را دوباره عظیم کنیم» است رد کردند.

از سوی دیگر، سناتور برنی سندرز گفت که زهران ممدانی با پیروزی در انتخابات شهرداری نیویورک، یکی از بزرگترین شگفتی‌های سیاسی در تاریخ معاصر آمریکا را رقم زده است.

آنچه با پیروزی زهران ممدانی در نیویورک نمایان شد، صرفاً یک رخداد محلی یا انتخاباتی

نیست؛ بلکه می‌تواند لحظه‌ای نمادین در گذار ساختاری از سیاست‌ورزی نئولیبرال به سوی پروژه‌ای عدالت‌محور و اجتماعی باشد. در دل بحرانی که هم مرکز نئولیبرال و هم راست افراطی در مدیریت آن ناتوان‌اند، چپ سوسیالیستی آمریکایی در حال طرح بدیلی واقعی است: سیاستی که ریشه در خیابان دارد، از قدرت نمی‌هراسد، و برای بازتعریف رابطه میان نهاد و مردم تلاش می‌کند.

اکنون، با پیشروی چهره‌هایی چون زهران ممدانی و افق‌های تازه‌ای که چپ در دل ساختار حزبی ایالات متحده گشوده است، شاید بتوان با طعنه‌ای تاریخی شعار مه ۱۹۶۸ را تکرار کرد: «اول منهن را می‌گیریم، بعد برلین را!» اما این بار نه با اشغال دانشگاه‌ها یا سنگر بستن در خیابان‌ها، بلکه از درون صندوق‌های رای، شوراهای محلی و شبکه‌های همبستگی شهری؛ چپی که می‌داند قدرت را نه تصرف، که باید بازتعریف کرد.

اگر این پروژه بتواند میان مقاومت و سازمان‌یابی، میان خیابان و نهاد، و میان رادیکالیسم و عملگرایی تعادلی سازنده برقرار کند، آنگاه می‌توان از ظهور یک نیروی نوین سیاسی در آمریکا سخن گفت؛ نیرویی که نه فقط برای انتخاب‌شدن، بلکه برای بازساختن بنیادهای سیاست و جامعه تلاش می‌کند.

زهران پس از کار به‌عنوان مشاور مسکن و نوازنده هیپ هاپ، به عنوان مدیر کمپین دو کاندیدا وارد سیاست محلی شهر نیویورک شد. او برای اولین بار در سال ۲۰۲۰ به شورای ایالتی نیویورک راه یافت و آراولا سیموتاس، نماینده پنج دوره مجلس دموکرات‌ها را در انتخابات مقدماتی شکست داد. او در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ بدون هیچ رقیبی دوباره انتخاب شد.

زهران ممدانی از طرفداران هیپ هاپ است و موسیقی رپ ساخته است. در سال ۲۰۱۶، با نام مستعار «یانگ کارداموم» و با رپر اوگاندایی HAB در یک آلبوم کوتاه با عنوان «سیدا موکیالو» به معنی «به روستا بر نمی‌گردیم»

همکاری کرد. این دو نفر در جشنواره جینجا اوگاندا برنامه موسیقی خود را اجرا کردند. در سال ۲۰۱۹، زهران ممدانی تک‌آهنگی را با عنوان «نانی» با نام مستعار «آقای کارداموم» منتشر کرد، ادای احترامی به مادر بزرگ مادری‌اش، که او را «منبع شادی، خرد و عشق» توصیف کرد.

زهران، همچنین موسیقی متن فیلم «ملکه کاتوه»، ساخته مادرش «میرا نایر» در سال ۲۰۱۶ را تهیه کرد. او همچنین دستیار سوم کارگردان فیلم بود و نقش کوچکی به‌عنوان «دانشجوی شرط‌بندی» ایفا کرد.

ممدانی از حقوق ال‌جی‌بی‌تی دفاع می‌کند. هدف او تثبیت نیویورک به‌عنوان یک شهر پناه دهنده به ال‌جی‌بی‌تی‌کیو و تاسیس اداره امور ال‌جی‌بی‌تی‌کیو برای «گسترش و متمرکزسازی خدمات، برنامه‌های و حمایتی است که نیویورکی‌های ال‌جی‌بی‌تی‌کیو از مسکن، تا اشتغال و ... به آن نیاز دارند» است. ممدانی می‌گوید افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو که به خاطر هویت‌شان بی

سرپناه می‌شوند از سیاست های هزینه زندگی او بهره مند خواهند شد.

در سال ۲۰۱۸، ممدانی تابعیت آمریکایی گرفت. او در اوایل سال ۲۰۲۵ با هنرمند سوری، راما دواجی، ازدواج کرد. از سال ۲۰۲۵، این دو در آپارتمانی در آستوریا زندگی می‌کنند.



ممدانی در راهپیمایی همجنس‌گرایان

شهر نیویورک یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای جهان است. این شهر که در شمال شرقی ایالات متحده آمریکا قرار دارد، به‌خاطر آسمان‌خراش‌های بلند، خیابان‌های شلوغ، تنوع فرهنگی بالا و نقش کلیدی که در اقتصاد

جهانی دارد، دارای شهرت است. ساکنان این شهر از صدها کشور مختلف آمده‌اند تا در کنار هم زندگی کنند، کار کنند و پیشرفت داشته باشند. نیویورک که به آن «سیب بزرگ» (The Big Apple) نیز گفته می‌شود، فقط یک کلان‌شهر نیست، بلکه قلب تپنده اقتصاد، رسانه، هنر، مد و فناوری آمریکاست. جنبه‌های گوناگون این شهر پیچیده و جذاب است، از اقتصاد و فرصت‌های شغلی گرفته تا فرهنگ، آموزش و زندگی روزمره.

شهر نیویورک (New York City) واقع در ایالت بزرگ و گسترده نیویورک؛ یک کلان‌شهر در کشور آمریکا به شمار آمده و طبق آخرین سرشماری که در سال ۲۰۲۰ صورت گرفته جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر داشته است.

ابرشهر نیویورک با مساحت ۸۷۰۰ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شهر جهان است. شهر نیویورک با داشتن حدود ۵۱ آسمان‌خراش با ارتفاع بیش از ۲۰۰ متر، بیش‌ترین تعداد آسمان‌خراش را در میان شهرهای دنیا نصیب خود می‌کند. قطار شهری نیویورک که در سال ۱۹۰۴ افتتاح

شد. طولانی‌ترین خط متروی جهان است. بازار بورس نیویورک، بزرگترین بازار بورس جهان در معاملات دلاری است که در خیابان وال استریت قرار دارد.

مرکز اصلی سازمان ملل متحد در کلان‌شهر نیویورک قرار دارد. همچنین مجسمه آزادی، مهم‌ترین نماد ایالات متحده آمریکا در نیویورک واقع شده است.

شهر نیویورک، شهر و بندری است که در دهانه رودخانه هادسون، جنوب شرقی ایالت نیویورک و شمال شرقی ایالات متحده واقع شده است. این شهر بزرگترین و تاثیرگذارترین کلان‌شهر آمریکایی است که جزایر منهتن و استاتن، بخش‌های غربی لانگ آیلند و بخش کوچکی از سرزمین اصلی ایالت نیویورک در شمال منهتن را در بر می‌گیرد. شهر نیویورک در واقع مجموعه‌ای از محله‌ها است که در پنج بخش شهر منهتن، بروکلین، برانکس، کوئینز و استاتن آیلند پراکنده شده‌اند و هر کدام سبک زندگی خاص خود را دارند.

شهر نیویورک آمریکا از ۵ منطقه تشکیل شده است: منهتن، بروکلین، کوئینز، برانکس و استاتن آیلند. نیویورک شهری پر از تنوع است و هر محله در هر منطقه به یک گروه قومی خاص تعلق دارد. به عنوان مثال، بخش‌های خاصی از آستوریا در کوئینز بیشتر یونانی‌نشین هستند و فلاشینگ (کوئینز) اساساً نسخه کوچکی از شانگهای است.

آب‌وهوای نیویورک سیتی، چهار فصل و معتدل قاره‌ای است، اما تغییرات دمایی زیادی در طول سال دارد. زمستان سرد و گاه برفی؛ دما اغلب به زیر صفر می‌رسد. اما تابستان گرم و مرطوب؛ دما بالای ۳۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. بهار و پاییز معتدل‌ترین و دلپذیرترین فصول برای زندگی یا سفر هستند، دما بین ۱۵ تا ۲۵ درجه. جغرافیای نیویورک منحصر به فرد است و به تحت تاثیر موقعیت ساحلی آن در محل تلاقی رودخانه هادسون و اقیانوس اطلس قرار دارد. همچنین بخش عمده‌ای از نیویورک بر روی سه جزیره اصلی منهتن، استاتن آیلند و لانگ آیلند قرار دارد.

این شهر ۱۲۲۳ کیلومتر مربع وسعت دارد. به دلیل کمبود زمین و ماهیت جزیره‌ای شهر، نیویورک یکی از متراکم‌ترین شهرهای بزرگ آمریکا است و همچنین به‌خاطر موقعیت ساحلی و ارتفاع کم از سطح دریا در برخی مناطق، نیویورک به طور خاص در برابر بالا آمدن سطح آب دریاها و طوفان‌های ساحلی آسیب‌پذیر است و پروژه‌های زیادی برای افزایش مقاومت در برابر این خطرات در حال اجرا است.



شهر نیویورک یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای شهری جهان را دارد. این شهر مرکز جهانی مالی با وجود بورس نیویورک (NYSE) و نزدک (Nasdaq) است و شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و

مؤسسات بیمه در منهن مستقر هستند. بخش مالی حدود یکپنجم کل درآمد شهر را تشکیل می‌دهد. اما اقتصاد شهر تنها به امور مالی محدود نمی‌شود، فناوری، رسانه، سلامت، آموزش عالی و مد هم سهم بزرگی دارند. شرکت‌هایی مانند گوگل، آمازون و متا هزاران نفر را در دفاتر نیویورک استخدام کرده‌اند.

گردشگری نیز از ارکان مهم اقتصاد شهر نیویورک است و هر سال بیش از ۵۰ میلیون بازدیدکننده به نیویورک می‌آیند. این صنعت باعث رونق هتل‌ها، رستوران‌ها، تئاترها، موزه‌ها و مراکز خرید شده است. نیویورک همچنین مرکز بزرگی برای فرهنگ، هنر و آموزش است و دانشگاه‌هایی مثل NYU و کلمبیا نقش اقتصادی پررنگی در آن دارند. در مجموع، نیویورک شهری با اقتصاد متنوع، جهانی و بسیار پویاست که در برابر چالش‌ها هم توانسته خود را بازسازی کند.

نیویورک سیتی به عنوان متنوع‌ترین شهر جهان از نظر زبانی شناخته می‌شود و بیش از ۸۰۰ زبان در آن صحبت می‌شود. این تنوع زبانی ناشی از

مهاجرت مداوم و تنوع فرهنگی ساکنان آن است. زبان انگلیسی، زبان اصلی و غالب در نیویورک است و زبان‌های پرکاربرد دیگر، اسپانیایی، چینی، روسی، بنگالی و ... هستند و خیلی از محله‌ها به دلیل حضور جوامع مهاجر خاص، زبان‌های مخصوصی دارند.

نیویورک یکی از متنوع‌ترین شهرهای جهان از نظر ملیت، زبان و مذهب است. در سال ۲۰۲۵، بیش از ۳۶ درصد جمعیت شهر متولد کشورهای دیگر هستند و بیش از ۲۰۰ زبان مختلف در این شهر صحبت می‌شود که این تنوع باعث شده فرهنگ نیویورک یکپارچه نباشد و متشکل از فرهنگ‌های مختلف باشد. نیویورک شهری است که ارزش‌هایی مانند آزادی فردی، تنوع‌پذیری، بیان آزاد، برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی در آن بسیار پررنگ هستند.

هزینه زندگی در نیویورک به بالاتر از میانگین ملی آمریکاست، اما بسته به سبک زندگی و محله‌ای که انتخاب می‌کنید، می‌تواند متفاوت

باشد. همچنین بیشترین بخش هزینه‌ها مربوط به مسکن است.

تحصیل در آمریکا، هنوز هم رویای بسیاری از دانشجویان دنیاست و نیویورک سیتی خانه برخی از معتبرترین دانشگاه‌های جهان است و یک مقصد برتر برای دانشجویان داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود. موسسات آموزشی شهر نیویورک به نوآوری و ارائه برنامه‌های درسی پیشرفته معروف هستند.

هزینه تحصیل در نیویورک بسته به دانشگاه و ترجیحات و هزینه‌های شخصی هر فرد متفاوت خواهد بود. میانگین شهریه دانشگاه‌ها در شهر نیویورک بسته به دولتی یا خصوصی بودن موسسه و خارجی یا بومی بودن دانشجوی، به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است. دانشگاه‌های دولتی، مانند دانشگاه‌های سیستم CUNY، شهریه بسیار پایین‌تری را ارائه می‌دهند، به خصوص برای ساکنان ایالت نیویورک، در حالی که شهریه دانشگاه‌های خصوصی به‌طور قابل‌توجهی بیشتر است.

به‌طور میانگین شهریه سالانه برخی از دانشگاه‌های شهر نیویورک از جمله هزینه زندگی در نیویورک برای دانشجویان تقریباً بین ۲۰۲۷ تا ۲۲۲۹ دلار در ماه است که شامل همه موارد، از شهریه گرفته تا هزینه‌های زندگی می‌شود و باید قبل از ثبت نام در دانشگاه از آن‌ها آگاه باشید.

نکته مهم آن است که بسیاری از دانشگاه‌ها کمک‌های مالی، بورسیه‌هایی را ارائه می‌دهند که می‌تواند بخشی از هزینه‌ها را پوشش دهد.

بازار کار نیویورک پویا و در حال رشد است و نرخ بیکاری این شهر، در سطحی نسبتاً پایین قرار دارد و بیشترین رشد در بخش خدمات اجتماعی و بهداشت است، همچنین در بخش‌های هوش مصنوعی و گردشگری چشم‌انداز مثبتی وجود دارد. نیویورک دارای بزرگترین سیستم مراقبت‌های بهداشتی عمومی در آمریکا، مراکز پزشکی پیشرفته خصوصی و شبکه گسترده‌ای از خدمات درمانی و تحقیقاتی می‌باشد.

نیویورک سیتی مقصدی بی‌نظیر برای گردشگران است به ویژه «مجسمه آزادی و جزیره الیس» در این هشر قرار دارد. این مجسمه، نماد آزادی و تاریخ مهاجرت به آمریکا است.

قبل از ورود مهاجرین اروپایی‌ها، منطقه‌ای که امروز به‌نام نیویورک شناخته می‌شود، محل سکونت قبایل بومی آمریکا بود. آن‌ها در سواحل رودخانه‌ها، کشاورزی، شکار و ماهی‌گیری می‌کردند و فرهنگی پیچیده‌ای داشتند. در سال ۱۶۰۹، هنری هادسون که برای کمپانی هلندی هند شرقی کار می‌کرد، وارد رودخانه‌ای شد که امروز به نام او، رودخانه هادسون شناخته می‌شود. در سال ۱۶۲۴، هلندی‌ها در این منطقه یک پایگاه تجاری به نام نیو آمستردام را تاسیس کرده و آن را به مرکز تجارت پوست تبدیل کردند. در سال ۱۶۶۴، انگلیسی‌ها کنترل منطقه را از هلندی‌ها گرفتند و نام آن را به افتخار دوک یورک، به نیویورک تغییر دادند. این شهر به سرعت رشد کرد و به یکی از مهم‌ترین بنادر آمریکای شمالی تبدیل شد.

در دوران انقلاب آمریکا، یعنی از سال ۱۷۷۵ تا ۱۷۸۳، نیویورک نقش کلیدی ایفا کرد. این شهر ابتدا توسط نیروهای انقلابی کنترل شد، اما بعد توسط بریتانیا تصرف و تا پایان جنگ اشغال شد. پس از استقلال آمریکا در ۱۷۸۳، نیویورک دوباره آزاد شد و خیلی زود به پایتخت موقت کشور تازه تاسیس ایالات متحده تبدیل شد. بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۹۰۰، میلیون‌ها مهاجر از اروپا وارد نیویورک شدند. در همین دوره، نماد معروف شهر یعنی مجسمه آزادی در سال ۱۸۸۶ به‌عنوان هدیه‌ای از سوی فرانسه به آمریکا اهدا شد. در قرن بیستم، نیویورک به‌سرعت به پایتخت فرهنگی، مالی، رسانه‌ای و سیاسی آمریکا و حتی جهان تبدیل شد. امروزه نیویورک یکی از تاثیرگذارترین شهرهای دنیاست.

نیویورک از سال ۱۷۸۵ تا ۱۷۹۰، پایتخت ایالات متحده بود. نیویورک در قرن هفدهم، تحت استعمار هلند، با نام نیو آمستردام شناخته می‌شد، اما این نام تحت حکومت بریتانیا به نیویورک (به نام دوک یورک) تغییر یافت.

شهر نیویورک قبلاً یک بندر تجاری مهم تحت حکومت بریتانیا بود و به مرکز برده‌داری تبدیل شده بود.

سیستم متروی نیویورک ۲۴ ساعته و هر روز سال فعال است. بیشتر ساکنان نیویورک ماشین (یا گواهینامه رانندگی) ندارند.

زندگی در شهر نیویورک، در کنار مزایا و ویژگی‌های مثبت، معایبی هم دارد که باعث سخت‌تر شدن زندگی در این شهر خواهد شد.

در مجموع، شهر نیویورک نمادی پایدار از فرصت، تنوع و انعطاف‌پذیری است. از محله‌های پر جنب‌وجوش گرفته تا نهادهای مالی جهانی، این شهر همواره هویت آمریکایی و فرهنگ جهانی را شکل داده است.



زهران ممدانی به همراه والدین و همسرش

رادیکالیسم سوسیالیستی و دموکراتیک ممدانی در عمل به معنای تلاش برای بازتوزیع قدرت و منابع، از نخبگان مالی، به شهروندان عادی است. این جریان با توجه به نوع فرهنگ و نگرش مبارزاتی و ترقی خواهانه مدنی آمریکایی، نه خشونت طلب بلکه اصلاح طلب و مشارکت محور است، و بر بازسازی دموکراسی در سطوح شهری و محلی تاکید دارد.

مهم ترین و نخستین برداشت از انتخابات سه شنبه در آمریکا این بود که درست یک سال پس از پیروزی نسبتاً قاطع دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، جایگاه رییس جمهور آمریکا

نسبت به گذشته به شکل قابل توجهی تنزل پیدا کرده است.

ترامپ که شخصا اهل نیویورک است در انتخابات شهرداری، نه تنها از اندرو کومو، فرماندار پیشین ایالت نیویورک حمایت کرده بود بلکه مردم نیویورک را هم تهدید کرده بود اگر به ممدانی رای بدهند بودجه دولتی شهرداری این کلان شهر را قطع خواهد کرد. با این وجود، اندرو کومو در انتخابات مقدماتی داخلی حزب دموکرات نتوانست بر زهران ممدانی غالب شود و نهایتاً تصمیم گرفت به عنوان نامزد مستقل در انتخابات شرکت کند.

حمایت ترامپ از رقیب دموکرات ممدانی این بود که رقیب جمهوری خواه او، کرتیس سیلوا، رای چندانی در شهر نیویورک نداشت. اما نهایتاً ممدانی بود که با کسب بیش از ۵۰ درصد آرای اخذ شده در انتخابات شهرداری نیویورک به عنوان شهردار این شهر انتخاب شد.

زهران ممدانی، از حقوق کارگران، مهاجرین، فقرا و همجنسگرایان و برابری‌های جنسی و جنسیتی حمایت می‌کند.



کاوَر یکی از آهنگ‌های ممدانی

در نهایت، ۸۲ درصد از رای‌دهندگان جامعه الجی‌بی‌تی‌کیوپلاس به نفع زهران ممدانی در صندوق‌ها ریخته شد. همچنین ۵۰ درصد از زنان و پنجاه درصد از مردان مشارکت‌کننده به او رای دادند و بیشترین میزان حمایت از جوانان به دست آمد. ممدانی پس از پیروزی اعلام کرده است که «تیم انتقال قدرت در شهرداری نیویورک»، او را پنج زن رهبری خواهند کرد.

اما ویژگی‌های منحصر به فرد ممدانی توانست او را به نخستین شهردار چپ، جوان‌ترین شهردار در یک قرن گذشته و صاحب بیشترین آرا در نیم قرن گذشته تبدیل کند.

زهران ممدانی با استفاده از شبکه جوانان داوطلب و کمک‌های کوچک شهروندان به کارزار انتخاباتی‌اش توانست خود را از یک شخصیت سیاسی کم‌تر شناخته‌شده در سطح شهر نیویورک به یک ستاره نوظهور سیاسی در سطح جهانی بدل کند.

هر چند حکیم جفریس، رهبر اقلیت دموکرات در مجلس نمایندگان آمریکا تاکید کرده است که زهران ممدانی نماد آینده حزب دموکرات آمریکا نیست، اما به نظر می‌رسد که حزب دموکرات باید به تدریج از پیروزی ممدانی در انتخابات نیویورک درس بگیرد و بیش از پیش به خواسته‌های عموم رای‌دهندگان در آمریکا توجه کند.

مخالفان ممدانی صرفاً جمهوری‌خواهان یا راست افراطی نیستند. بخشی از مرکز لیبرال نیز در برابر او ایستاده است. اگرچه پیروزی زهران ممدانی به‌عنوان یک موفقیت بزرگ برای جناح

پیشرو حزب دموکرات تلقی می‌شود، اما او هنوز در درون حزب مخالفانی جدی دارد. چهره‌هایی چون چاک شومر، رهبر اکثریت دموکرات در سنا، تا کنون از حمایت علنی او خودداری کرده‌اند. با این حال، محبوبیت فزاینده زهران ممدانی در میان نسل جوان و مهاجران، نشان از تغییر تدریجی بافت سیاسی نیویورک دارد.

باراک اوباما، رییس جمهوری سابق آمریکا، که معمولاً در انتخابات‌های شهری برای تقویت نامزدهای دموکرات وارد می‌شود، از حمایت رسمی از ممدانی خودداری کرد. این امتناع نه یک اتفاق تاکتیکی، بلکه نشانه‌ای از دفاع ساختاری هر دو جناح سیاسی از منطق بودجه‌محور و بازارمحور مشترک است. در این سطح، مقاومت در برابر ممدانی، اختلافی میان چپ و راست نیست؛ اختلافی میان لایه‌های مردمی و مرکز قدرتمند سیاست است.

اما برنی سندرز دوباره حمایت خود را از ممدانی اعلام کرد. این سناتور مستقل از ایالت ورمونت که در بروکلین بزرگ شده است، از

پیروزی ممدانی ابراز شادمانی کرد. سندرز که در ماه ژوئن از این سوسیالیست دموکرات حمایت کرده بود، در پلتفرم ایکس نوشت: «پس از این‌که ممدانی در نظرسنجی‌ها با یک درصد شروع کرد، حالا یکی از بزرگترین شگفتی‌های سیاسی در تاریخ مدرن آمریکا را رقم زد.»

سناتور سندرز افزود: «ما می‌توانیم دولتی ایجاد کنیم که نماینده کارگران باشد و نه یک درصد. من مشتاقانه منتظر همکاری با زهران هستم زیرا او شهری می‌سازد که برای همه مفید باشد.»

کنسول کل دولت اسرائیل در نیویورک و وزیر سابق لیکود، زهران ممدانی را «خطری آشکار و فوری برای جامعه یهودیان نیویورک» توصیف کرد. به گفته او، ممدانی به دلیل حمایتش از تظاهرات طرفداران فلسطین در این شهر، «خطر» محسوب می‌شود.

کنسول کل دولت اسرائیل، ادعا کرد که ممدانی به «تظاهرکنندگان طرفدار تروریسم، که به اشتباه در اینجا به عنوان طرفدار فلسطین

برچسبگذاری شده اند»، اجازه می‌دهد تا در خیابان‌های نیویورک تظاهرات و «شورش» کنند. رویکرد اسلام‌ستیزانه برخی کاربران ایرانی از یکسو ناشی از منفک کردن سیاست‌های شهری و دولتی از بستر اجتماعی، اقتصادی، بین‌المللی و ژئوپلیتیک خود است و از سوی دیگر، ناشی از تقلیل دادن هویت‌های سیال و پیچیده کنشگران اجتماعی به گرایش‌های ثابت و ساده‌شده، مثلاً شیعه دوازده امامی.

در پی پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک، رسانه‌های راستگرا در واکنشی تند، آینده این شهر را به رهبری او آمیخته با جرم و جنایت، آشوب و فاجعه ترسیم کردند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا صبح چهارشنبه در نخستین واکنش طی سخنانی در کاخ سفید گفت: «پس از نتایج شب گذشته تصمیمی که پیش روی آمریکایی‌هاست بسیار روشن است؛ ما باید بین کمونیسم و عقل سلیم یکی را انتخاب

کنیم و تا زمانی که من در کاخ سفید هستم، ایالات متحده به هیچ وجه کمونیستی نخواهد شد.» با این حال او عصر چهارشنبه طی اظهاراتی در انجمن کسبوکار آمریکا در میامی، لحن خود را تغییر داد و حتی پیشنهاد کمک به زهران ممدانی را مطرح کرد. ترامپ گفت: «کمونیست‌ها، مارکسیست‌ها، سوسیالیست‌ها و جهانی‌گرایان از فرصت خود استفاده کردند و تنها فاجعه آفریدند. حالا ببینیم یک کمونیست با نیویورک چه می‌کند.»

او افزود: «خواهیم دید چه می‌شود و به آن‌ها کمک خواهیم کرد. ما می‌خواهیم نیویورک موفق باشد. ما شاید به آن‌ها کمی کمک کنیم.» این در حالی است که او پیش از انتخابات هشدار داده بود که اگر آقای ممدانی پیروز شود، کمک‌هزینه دولت فدرال به نیویورک را کاهش می‌دهد.

رسانه‌های راست‌گرا نیز حملات شدیدی را علیه ممدانی راه انداختند.

«فاکسنیوز»، پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک را به عنوان شب سوسیالیسم تعبیر کرد و مجریان این شبکه تلویزیونی راستگرا یکی پس از دیگری نسبت به تسخیر نیویورک توسط چپگرایان افراطی هشدار دادند.

ریچل کامپوس-دافی، مجری برنامه «فاکس و دوستان» (Fox & Friends) صبح چهارشنبه گفت: «همیشه می‌گفتیم که نمی‌خواهیم به هاوانا تبدیل شویم و بعد گفتیم که نمی‌خواهیم به کاراکاس تبدیل شویم. باور کنید، ظرف چهار سال، همه می‌گویند که نمی‌خواهیم به شهر نیویورک تبدیل شویم، چون این شهر نمونه بعدی فاجعه سوسیالیستی خواهد بود.»

اما صفحه نخست روزنامه جنجالی «نیویورک‌پست» مانند «فاکسنیوز»، تحت کنترل روپرت مرداک است، تصویری از زهران ممدانی با لباسی یکدست سرخ‌رنگ و داس و چکش در دست به نمایش گذاشت.

این روزنامه با لقب نیویورک یعنی «سیب بزرگ» (The Big Apple) بازی کرد و آن را «سیب سرخ» (The Red Apple) نامید.

«نیویورکپست» همچنین در تیتراژ خود با بازی زبانی با عبارت «در جای خود، آماده، حرکت» (On your marks, get set, go)، آن را به «به اشاره مارکس (کارل مارکس)، آماده، زو (زهرا ممدانی)» (On your Marx, get set, Zo) تغییر داد و افزود: «ممدانی سوسیالیست رقابت شهرداری را برد.»

رسانه‌های محافظه‌کار آمریکایی تصویر آقای ممدانی را که یک «سوسیالیست دموکرات» است، به عنوان پیام‌آور یک ویرانشهر به سبک اتحادیه جماهیر شوروی ترسیم می‌کنند. این تصویر تاحدی وام‌دار اظهارات اندرو کومو، فرماندار پیشین نیویورک و رقیب آقای ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک است. کارزار انتخاباتی آقای کومو پیش‌تر با استفاده از هوش مصنوعی ویدیویی تبلیغاتی تهیه کرده و چنین سرنوشتی را برای

نیویورک به رهبری زهران ممدانی پیش‌بینی کرده بود.

برخی از تندترین حملات به آقای ممدانی با اسلام‌هراسی همراه بود. استیو بنن، شخصیت رسانه‌ای و مجری پادکست راست‌گرا ممدانی را «جهادگرای نئو-مارکسیست» خواند و پیروزی او را حاصل ۴۰ تا ۵۰ سال قلب در ویزا و «ورود مهاجمان بیگانه غیرقانونی» به ایالات متحده دانست.

مگین کلی، مجری راست‌گرا گفت: «اسلام با ارزش‌های غربی کاملاً ناسازگار است و فکر می‌کنم کسی که به اسلام عمل می‌کند، نباید از رهبران آمریکا باشد، اصلاً.»

وبسایت خبری راست‌گرای «بریتبارت» نوشت: «مسلمانان از پیروزی زهران شادمان‌اند.»

کلی لوفلر، مدیر امور مربوط به کسب‌وکارهای کوچک در دولت دونالد ترامپ گفت: «این‌که یک کمونیست شهردار پایتخت سرمایه‌داری شده، شوکه‌کننده است.» او افزود: «آقای ممدانی از مصادره ابزار تولید سخن می‌گوید.»

اکثریت مطلق سلطنت‌طلبان مخالف انتخاب «ژهران ممدانی» هستند و برخی با کاریکاتور و نوشته او را با قدرت‌گیری خمینی مقایسه می‌کنند. کسی که یک چپ سوسیالیست شیعه، طرفدار سرسخت فلسطین و همسو با حماس است. ممدانی، بر خلاف خمینی حدود ۴۷ سال پیش، نیت واقعی خود را با خدعه و تقيه و نیرنگ پنهان نکرد. در آن زمان، هیچ قدرت دیگری غیر از دستگاه متمرکز و مخوف روحانیت و توده عوام مذهبی به رهبری خمینی وجود نداشت با این وجود، او می‌گفت حتی کمونیست‌ها نیز بعد از انقلاب کاملاً آزاد خواهند بود. اما ممدانی هرگز افکار چپ ضد دولت اسرائیل، ضد کاپیتالیستی و اهداف سیاسی رادیکال خود را پنهان نکرد و علناً اعلام داشت که در قلب کاپیتالیسم جهان، یعنی نیویورک، برنامه‌های سوسیالیستی خود را اجرا خواهد کرد. آن هم در سال ۲۰۲۵ میلادی، پس از نیم‌قرن تجربه تلخ شکست کمونیسم و سوسیالیسم روسی و اسلام سیاسی، و با وجود پیشرفت اطلاعات، هوش

مصنوعی، بلوغ فکری و دانش بشری در ۴۷ سال گذشته است.

آیا به قول سلطنت‌طلبان، مردم نیویورک هم مانند مردم ۴۷ سال پیش ایران، به دلیل حماقت یا شکم‌سیری، به یک شیعه افراطی مهاجر ضد اسرائیلی و ضد امپریالیستی و ضد ترامپ‌سم رای دادند؟

سلطنت‌طلبان عصبی و خشمگین، که غرق در ناآگاهی و بلاهت خودبزرگ‌بینی هستند و خود را علامه دهر تاریخ می‌پندارند، باید نگاهی بیندازد به نتیجه انتخاب مردم نیویورک در دوران پساینترنترنت و پسایازده سپتامبر؛ دورانی که عصر انفجار اطلاعات و آگاهی سیاسی انسان‌دوستانه و برابری‌طلبانه است. جریان سلطنت‌طلب با بیماری شدید نوستالژی و وابستگی شدید به گذشته دست و پنجه نرم می‌کند و هیچ کاری به آینده ندارند. منطق سیاسی این‌ها وارونه و از دیدگاه منطق علوم سیاسی واپس‌گرا و ارتجاعی است. تنها چیزی که شب و روز مانند خروس بی‌محل تکرار می‌کنند شاه، شاه و باز هم

شاه است. این‌ها پس از ۳۷ سال هنوز باورشان نشده است که اکثریت مردم ایران با هدف رسیدن به یک جامعه آزادتر و بهتر سیستم پادشاهی را به گورستان تاریخ فرستادند و اکنون هم دهه‌هاست که تلاش می‌کنند شیخ را به همان گورستان بفرستند و به حاکمیت شاه و شیخ در ایران برای همیشه پایان دهند و جامعه بهتری بسازند. شاه هم مانند امروز جمهوری جهل و جنایت و ترور اسلامی ایران، در جهت اجرای اهداف سیاسی و بقای حاکمیت خود، تنها به نظامیان به ویژه به ساواک و زندان و شکنجه و اعدام متکی بود.

بنابراین، مردم ایران در آن دوران بسته و استبدادی، اصلاً قابل مقایسه با مردم نیویورک اواخر سال ۲۰۲۵ نیستند. وقتی مردم نیویورک با این همه آگاهی و دسترسی آزاد به اطلاعات و با اطلاع از کارنامه اسلام سیاسی و چپ و ترامپ‌یسم و پساً ۱۱ سپتامبر، در فضایی کاملاً آزاد، چگونه به یک مسلمان شیعه رادیکال و ۱۲ امامی روی می‌آورند، کی و کجا ممدانی از

برقرای اسلام در نیویورک سخن گفت؟ مگر رسانه‌ها آمریکا و بین‌المللی لحظه به لحظه سخنان و شعارها و مواضع او منتشر نمی‌کرد؟ پس چگونه موضع مذهبی شهردار نیویورک تنها تعدادی سلطنت‌طلب‌شنیندند و بقیه از آن غافل ماندند؟ جریانی که اکنون تا خرخره در باتلاق نتان‌یاهو نخست وزیر اسرائیل که از سوی همان نهادهای بین‌المللی سرمایه‌داری نه چپ به نسل‌کشی در غزه محکوم شده است چگونه و این‌چنین بی‌شرمانه ممدانی را خمینی مقایسه می‌کنند؟ اگر دستگاه مخوف روحانیت در ایران با کشتارهای زیادی به قدرت رسیدند یک شبه به وجود نیامده بودند آن‌ها دست‌پرورده‌ها مفتخور و جیربه بگیر دستگاه پهلوی بودند. شیخ در بارگاه شاه پرورش یافت و به هیولا تبدیل شد. از نظر منطق علمی هر مقوله و جریانی را ریشه‌یابی نکنید و قضاوت را به امروز واگذار کنید طبیعی‌ست که نتیجه تحلیل و نگاه‌تان اشتباه خواهد بود. شما از گزارش‌ها از جمله مجله فوربس خبر ندارید. این مجله گزارش داده که دستکم ۲۶ میلیارد

آمریکایی میلیون‌ها دلار هزینه کرده‌اند تا از رسیدن «زهران ممدانی» به مقام شهردار نیویورک جلوگیری کنند. ترامپ چه قدر ایشان را تهدید کرد و الان هم تهدید می‌کند.

نسل جوان دوران ۵۷ شیدا ضدشاه و ضدسلطنت بود و آزادی می‌خواست هم‌چنان که نسل جوانی امروز ایران ضد خامنه‌ای و ضدجمهوری اسلامی است و دنیا بهتر می‌خواهد. اما جریان سلطنت‌طلب چشم و گوش خود را به این واقعیت‌های تاریخی محکم و مطلق بسته است.

اگر گرایش واپس‌گرایی سلطنت از پیروزی ممدانی این‌قدر ناراحت و نگران هستند برعکس، چپ و سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها و آزادی‌خواهان ایرانی از این واقعه خوشحال هستند چرا که اگر تب ترامپیسم به‌ویژه گرایشات فاشیستی و نژادپرست و جنگ‌طلب جهانی امید داد اکنون ممدانی خار چشم آن‌ها شده است. بنابراین، گرایش سلطنت‌طلب ایرانی نیز در صف همین گرایشات نژادپرست و فاشیست و جنگ‌طلب قرار می‌گیرد. جریانی که در حمله اسرائیل به زندان

اوین و ایران به خیابان‌ها می‌آید جشن می‌گیرد و شیرینی پخش می‌کند چه انتظاری می‌توان داشت؟ قرار نیست و کسی هم نگفته که در نیویورک مذهب و یا کمونیسم برقرار خواهد شد. ممدانی هم هرگز خودش را با این واژه‌ها تعریف نکرده است. او و هم‌فکرانش یک خوانشی از سوسیالیسم دارند که خودشان را سوسیالیست دموکراتیک می‌نامند و قصد دارند یک سری مطالبات انسانی را در نیویورک پیاده کنند. تا اینجا، تلاش ممدانی به نفع کارگران، مهاجران، فقرا، بی‌خانمان‌ها و کودکان و همچنین آزادی بیان و اندیشه است. به همین دلیل، طبیعی است که با حمایت همه نیروهای چپ و سوسیالیست جهانی قرار گیرد. اما همین حداقل مطالبات انسانی را گرایش‌های مختلف سرمایه‌داری تحمل نمی‌کنند چرا که هر چه قدر جوامع بشری در جهل و ناآگاهی و فلاکت اقتصادی غرق شوند به همان نسبت، بقای حاکمیت سیاسی سرمایه‌داری با استثمار شدید نیروی کار ادامه می‌یابد. اکنون نتیجه انتخابات شهرداری نیویورک پرچم حق و حقوق نسبی این مردم محروم

و ستم‌دیده و استثمار شده را بلند کرده است و هنوز معلوم نیست آینده چه خواهد شد با این وجود، باز هم گرایش‌ات سرمایه‌داری این همه به تلاطم افتاده‌اند؟!

در هر صورت شهردار جدید نیویورک در سخنرانی پیروزی خود خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا تاکید کرد «نیویورک شهری است که دوباره متولد شده است.»

«زهران ممدانی» شهردار منتخب شهر نیویورک در طول سخنرانی پیروزی خود به‌طور مستقیم خطاب به «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا صحبت کرد. او در میان تشویق‌های کرکننده گفت: دونالد ترامپ، چون می‌دانم که تماشا می‌کنی. چهار کلمه برای تو: «صداتلویزیونت را بلندتر کن!»



در نتیجه‌گیری می‌توانیم تاکید کنیم که انتخاب ممدانی به شهرداری نیویورک، هم یک پیام برای حزب دموکرات برای تغییر و تحول به سمت طبقه کارگر و محرومان جامعه بود و هم نشانه‌ای از توهم‌زدایی شهروندان آمریکایی نسبت به ترامپ. اکنون رقبا و مخالفان او به شدت سرخورده شده و کمپینی جدید را علیه او راه انداخته‌اند. از جمله اندرو کومو و حامیان او ممدانی را سیاستمداری کم‌تجربه و رادیکال می‌دانند که برای اداره شهری با بودجه ۱۱۵ میلیارد دلاری و بیش از ۳۰۰ هزار کارمند دولتی مناسب نیست. کومو گفته بود: «تجربه، شایستگی، توانایی اداره شهر و مقابله با چالش‌ها، از جمله

مهارت‌هایی است که نمی‌توان در حین انجام وظیفه شهرداری یاد گرفت.»

در این بستر، ممدانی نه فقط به‌عنوان فردی که در رقابت انتخاباتی پیروز شده است، بلکه به‌مثابه یک چرخش تاریخی در سیاست شهری پدیدار می‌شود؛ لحظه‌ای که پس از انتخاب او به‌عنوان شهردار، اکنون موضوع رقابت نیروهای سیاسی مختلف برای تعریف و هدایت جهت‌گیری‌های آینده آن است. اگر دموکرات‌ها بتوانند ظرفیت بسیج او را در چارچوب حزبی خود تثبیت کنند، فرصتی کم‌نظیر برای بازسازی جایگاه خود خواهند یافت. اگر نتوانند، راست پوپولیست آماده است تا این ظرفیت را به سرخوردگی و سپس به قدرت بدل کند.

در این صورت منطق سیاسی از مسیر بازسازی منحرف می‌شود و به مسیر تخریب می‌افتد. اگر این تلاش به شکست بینجامد، پیامد صرفاً ادامه وضع موجود نخواهد بود. بلکه ناامیدی تازه‌ای شکل خواهد گرفت که می‌تواند راست افراطی را در نیویورک و فراتر از آن تقویت کند.

بنابراین، طبیعی است که برای ترامپ و دیگر جریان‌های راست پوپولیست، ممدانی تهدیدی مستقیم تلقی شود.

ممدانی پیروزی خود را در سخنرانی پیروزی که در برابر هوادارانش ایراد کرد اعلام نمود و گفت که او در آغاز ژانویه، رسماً سوگند یاد خواهد کرد و شهردار نیویورک خواهد شد.

وی در میان تشویق‌های شدید خطاب به جمعیت گفت: «شما به من مأموریتی برای تغییر و برای سیاستی جدید سپرده‌اید» و تأکید کرد که برای بهبود وضعیت شهر نیویورک نسبت به وضعیت گذشته‌اش کار خواهد کرد.

ممدانی در سخنرانی‌اش از تمام کارگران با ملیت‌ها و نژادهای مختلف در شهر نیویورک تشکر کرد.

انتخاب ممدانی، طبیعتاً تأثیرات خود را بر مبارزات آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌خواهانه در سراسر جهان خواهد داشت و توجه بسیاری از جنبش‌های اجتماعی و مبارزات طبقاتی را جلب خواهد کرد. پایه‌های اندیشه‌ای

و فلسفی ممدانی بر پایه‌های سوسیالیسم دمکراتیک استوار است. ممدانی خود را در امتداد جنبش برنی سندرز و درون سنت گرایش چپ سوسیال‌دموکراسی می‌داند. او بر خدمات و رفاه عمومی، حقوق زنان، کارگران، عدالت طبقاتی، حقوق پناهنده‌گان و مهاجرین، مبارزه با نابرابری اقتصادی تاکید دارد. او مخالف تبعیض و عدالت اجتماعی است. از نکات عمده‌ی دیگر؛ در سیاست عملی او؛ متمرکز بر اندیشه‌های متمرکز بر سوسیالیسم شهری (Municipal Socialism) است. تمرکز او بر اداره شهر از طریق سیاست‌های اجتماعی ملموس از جمله حمل‌ونقل رایگان، مسکن عمومی و فروشگاه‌های ارزان‌قیمت شهری، برگرفته از سنت سوسیالیسم شهری قرن بیستم در آمریکا است. ارتباط با رای‌دهندگان به‌وژه طبقه کارگر از اهداف اوست. از سوی دیگر، همه این تحولات، نشان می‌دهد که گرایش‌ات رادیکال سیاسی و سوسیالیستی، طبقه کارگر و جنبش‌های زنان و دانشجویان و جوانان و بیکاران و بی‌خانمان‌ها، در مقابل

اقتدارگرایی و تبعیض سازمان‌یافته سیاسی، اجتماعی و جنسیتی ترامپ‌یسم ساکت ننشسته‌اند و مطالبات خود را رادیکال‌تر و ساختاری‌تر بیان می‌کنند. ممدانی و هم‌نسلانش سخن‌گویان و پیشگامان همین واکنش‌های اجتماعی در مقابل سیاست‌های به‌غایت راست و زورگویانه ترامپ رییس‌جمهور آمریکا و سرمایه‌داران هستند.

بدین ترتیب، ممدانی، که یک دموکرات سوسیالیست است در اول ژانویه سال آینده، نخستین شهردار سوسیالیست بزرگترین شهر ایالات متحده خواهد بود.

اکنون پرسش اصلی این است که زهران ممدانی وعده‌ها و شعارهای خود را با چه نیرویی هدایت و سازماندهی کرده و امید جمعی برآمده از پیروزی او را متحقق خواهند کرد.

تاریخ انتشار:

۲۰۲۵/۱۱/۱۲

